

سرآغازی نو در راه نزدیکی به غرب

پیرامون سفر گنشر به ایران

سفر سه روزه "هانس دیتریش گنشر" وزیر امور خارجه آلمان فدرال ، به ایران و توافقی سران جمهوری اسلامی با وی ، که پنجره تازه ای برآمده های امپریالیسم برای گسترش نفوذ و بازپس گرفتن مواضع از دست رفته اش در کشور ما گشود ، همواره رویدادهای دیگر این ماه را در سایه قرار داد. محافل امپریالیستی در آلمان فدرال ، آمریکا ، انگلیس ، فرانسه ، اسرائیل و ... با خرسندی بسیار سفر گنشر را "مرحله جدید" و "تحول بیسابقه" ای در راستای نزدیکی جمهوری اسلامی به غرب ارزیابی کردند . سران جمهوری اسلامی نیز این ارزیابی ها را بسیار ژست های وسوسه انگیز و ترغیب کننده ای استقبالی کردند و با همه توان کوشیدند "اعتمادها" و "امیدها" ی به دست آمده را تحکیم کنند .

هانس دیتریش گنشر ، در سفر به ایران دو هدف مهمتر را دنبال می کرد ، یکی تسریع روند نزدیکی جمهوری اسلامی به غرب و "اطلاع مناسبات آن با آمریکا ، و دیگری گسترش و تحکیم روابط اقتصادی غارتگرانه آلمان فدرال با حکومت ایران . امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا برای هدف نخست ، اهمیت درجه اول قابل بود و محافل امپریالیستی عمدتاً در همین زمینه به بررسی دستاوردهای سفر گنشر مشغول شدند .

سفر گنشر بعنوان سفر غرب از مدت ها پیش تدارک شده بود ، به استناد آنچه محافل امپریالیستی فاش ساخته اند ، سفر گنشر در جریان کردها میسران هفت کشور امپریالیست در لندن مطرح شد ، مخصوصاً آمریکا در جریان تدارک این سفر قرار داشت و بدون شک در تنظیم برنامه آن سهم بود . مناسبات مختلف غربی از جمله روزنامه "فرانکفورت" آلمانی ، تایمینگ فاش ساختند که جرج ولتر ، وزیر امور خارجه آمریکا با دولت آلمان فدرال مشورت های لازم را درباریه برنامه انجام داده است . آقای گنشر برای اینکه سفر خود را به سودگسلب غرب و در مرکز همه انحصار آلمانی به نتیجه برساند ، باید با دست پر و گشاده به ایران جمهوری اسلامی به گفتگویی نشست . این امر در گرو آن بود که وی از "راه حل های مورد علاقه فرانسه" که یکی از مراکز عمده تجمع مخالفین خمینی است ، از "راه حل های" مطلوب انگلیس که همچنان مناسبات وسیع اقتصادی با ایران دارد ، از تمایلات ایتالیایی و ژاپنی که دوستان ثابت قدم ارتجاع حاکم بر ایران هستند و بالاخره از پیشکش های رژیم های ترکیه و پاکستان ، یعنی برادران دینی "حکومت آیت الله خمینی" ، کاملاً آگاه می شد . جمع بست گزارشی از منعکس شده روشن می سازد که دولت آلمان فدرال ، طی چند ماه تدارک سفر گنشر اقدامات فوق را به دقت انجام داده است و در جریان مذاکرات گنشر در تهران آن را با بنحوی مطلوب امپریالیسم استفاده شده است .

پاسخ توده ها به کودتای ۲۸ مرداد

۳۱ سال پیش برای تودکودتای آمریکا بی ۲۸ مسرداد ، رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم شاه ، که میزبانی در نتیجه جنبش ملی مردمی سالهای ۲۰-۳۰ برای همیشه سرنگون شده و به زیاده دان تاریخ افکنده شود ، محذره مردم ما تحمیل شد . آمریکا ، انگلیس و ارتجاع داخلی با سازماندهی تدارک و اجرای این توطئه شوم توانستند جنبش ضد امپریالیستی مردمی آن سالها را خفه سازند و سلطه غارتگرانه خود را حفظ کنند . در این ریهلوی که زنده ای بزرگترین سرمایه داران و زمینداران اروپا بسته به امپریالیسم بود ، با سیاستهای به شدت ضدملی در عرصه های داخلی و خارجی ، منافع ملی میهنمان را به مفت در اختیار امپریالیستها گذاشت ، دیکتاتوری و فحان عنان گسیخته را به مردم تحمیل کرد و تمامی احزاب ، سازمانها و نیروهای انقلابی و مترقی را تحت بیگانه و سرکوب قرار داد . تمام مسائل شکل های مستقل کارگران و زحمتکشان را در هم شکست و با بستن قراردادهای ننگین کشور ما را با صدها رشته به امپریالیسم وابسته کرد .

"هفته جنگ" را به هفته اعتراض علیه جنگ تبدیل کنیم!

در آستانه چهارمین سالگرد جنگ ویرانگر ، سایر دیگر حکومت آماده می شود تا "هفته جنگ" برگزیده کند . سرمداران رژیم همه مکارانه خود را بسیج می کنند ، تا شاید در "هفته جنگ" بن بست و شکست خویش را توجیه کنند و با زهم "هیزمی" برای تسخیر آدم سوز جنگ گره آورند .

پس از شکست عملیات خونین "الفجر" و "خبر" تا امروز ، رژیم با فضا را جبار به سر باز گیری و گسیل نیروهای هر چه بیشتر به جبهه ها مشغول بوده و چندین ماه است که رژیم با بسیج همه امکانات تعداد کثیری پاسداران و سربازان و کشتیهای جنگی خوزستان و ویجا بنهای عراق در نظر رکست و کشتار سرگردان کرده است ، اکنون سرکردگان جمهوری اسلامی که از شکستی دیگر در هراس و از صلح گریزانند ، همچنان انگشت بر ماشه می سبند ، آنها بر ضد مصالح ملی و میهنی ما ، و بر خلاف خواست و نیای مردم میهنمان ، همچنان سیاست ادامه جنگ را تبلیغ می کنند و همگان را یاوه های گذشته را تکرار می کنند .

مهمان رهبران جمهوری اسلامی امید خود را برای "پیروزی در جنگ" آنگونه که آرزوی گریزند ، دیگر از دست داده اند . جمهوری اسلامی ، راه نجات از این بن بست را نزدیکی به غرب و جلب حمایت آن می داند . آرزوی دیگر امپریالیستها ، سیاست ادامه جنگ حکومت و بن بست کنونی را بهترین شرایط برای تسلیم بیش از پیش حکومت جمهوری اسلامی تشخیص داده اند . آمریکا و هم پیمانهای آن ، از یک سو بر بستن ادامه جنگ ایران و عراق ، و همچنین توطئه های جدیدی برای تحکیم مواضع خود علیه کشور ما و گسترش نفوذ خویش در سراسر منطقه خاور میانه

بویژه از طریق تکثیر و پخش تراکت در همه مکانهای ممکن و بردن شعارها و رهنمودهای سازمان روی دیوارها ، حضور هر چه فعالتر فداییان را در عرصه مبارزه بخاطر صلح قوی اعلام دارند . در جریان تدارک و برگزاری "هفته جنگ" از سوی رژیم تبلیغ وسیع علیه جنگ در سطح جامعه و در محیط های کار و زندگی مردم ، مضمون عمده فعالیت تبلیغی فداییان خلق است . مضمون عمده رژیم برای برگزاری هفته سالگرد جنگ و به راه انداختن نفاشهای خیابانی با شعار "جنگ ، جنگ ، جنگ" پیروزی را با همه توان غشی سازیم ، مردم تسخیر هر چه گسترده تر باید ، تلاشهای رژیم را برای به راه انداختن تظاهرات خیابانی در "هفته جنگ" بسیار نزدیک و با دیگر خیابان سازنده رژیم ، تنها به حزب جمهوری و نهاد های قدرت و ما مورسین خود متکی است .

مردم طبع دوست و همه سازمانهای انقلابی و میهن پرست ، باید در "هفته جنگ" ، با هر امکان و به هر شکلی که مقدور باشد ، در کارخانه ها ، روستاها ، ادارات ، مکانهای تجمع عمومی ، خیابانها و میدانها ، اعتراض خود را به ادامه جنگ آشکار سازند و اراده خود را برای برقراری صلح رسالت از هر زمان اعلام نمایند . سازمان ما ، همانگونه که با راه اعلام کرده ، مبارزه هر چه موثرتر علیه جنگ را در گروهها ، جنبشها و اتحاد عمل همه سازمانهای انقلابی و میهن پرست می داند . ما از همه نیروهای صلح دوست ، از همه سازمانهای مترقی دعوت می کنیم که اعتراض علیه ادامه جنگ را در سالگرد جنگ تشدید کنند .

توطئه های زبوانه علیه فدائیان

تجاهیبی سرانجام ارتجاع علیه فداییان خلق همچنان شدت بیشتری می یابد ، پاسداران رژیم در تهران و شهرستانها تلاشهای جنون آسایشی برای دستگیری فعالین سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ، بویژه رهبران سازمان انجام می دهند . در نتیجه این تجاوزات ددمنشانه در تهران ، خوزستان و مشهد ، دیگر از رفقای ما اسیر و روانه شکنجه گاهها شدند . از مدتی پیش رژیم به انتقال عده ای از فداییان اسیر ، از زندانهای شهرستانها به تهران مشغول شده است . از جمله چندین تن از رفقای اسیر ما را از هوا زومضدبسته اوین منتقل کرده اند تا زیر شکنجه های شدیدتری قرار دهند .

مردم ، علیه دولت ارتجاع

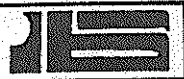
به دنبال تقاضای رای اعتماد موسوی نخست وزیر ، مجلس سی و یکم ۱۳۴۳ رای موافق او را مسورد اعتماد خود شناخت و بدین ترتیب وی مجدداً در اس دولت قرار گرفت . مجلس همچنین با تایید و ابقای کابینه موسوی - بجز پنج نفر در مجموع این کابینه را برای اجرا و ادامه سیاستهای تحکیرانه ارتجاع ذیصلاح تشخیص داد . موسوی ، ضمن بحث پیرامون کارنامه دولت ارتجاع در مجلس ، در حل و فصل مسایل اقتصادی کشور ، مبارزه با تورم و " ایجاد امنیت " را از "خدمات مهم دولت خود خوانده" طی ۳ ماه گذشته که موسوی مسؤل دولست بوده است ، سرکوب خواستها و اعتراضات مردم و پورش به دستاوردهای انقلاب روز به روز شدیدتر شده است . سرکوب مبارزات کارگران و ویجا لکردن حقوق آنان ، تلاش برای تحمیل قانون کار ضد کارگری ایجاد تعویض سرمایه داران ، که انحصار اقدام مهم واردات کشور را بعهده داشت ، با گرداندن کارخانه های ملی شده به سرمایه داران ، بازپس دادن زمینهای مصادره شده به مالکان ، گسترش همکاری همه جانبه با انحصارات بین المللی و پیشبرد سیاست ارتجاعی در عرصه بین المللی و در نهایت مورد دیگر از " شاهکارهای " دولت خدمتگزار ارتجاع بوده است .

در این مدت ، بیکاری و تورم و گرانی ، ابعاد بی سابقه ای یافت . در این دوران همه از ادبهای فردی و اجتماعی و حقوق دمکراتیک مردم میهن ما ، به سبانه ترین وجهی لگدمال شد . سازمانهای انقلابی و حشانه آماج تهاجم قرار گرفتند و جنایات بی سابقه رژیم ، افکار عمومی جهان را با متحیر ساخت . با چنین کارنامه نکست باری ، صحبت از " ایجاد امنیت " و " حل و فصل مسایل اقتصادی کشور " ، ادعای ویجا نه است . اقدامات

پیشرو انقلابی و وظایف بنیادین کنونی

در صفحه ۴

جنگ را قطع کنید ، مردم صلح می خواهند



سرآغازی نو...

روشن است که در جریان تدارک سفر گنشر، مذاکره با تهران به منظور تضمین موفقیت این سفر اهمیت اساسی داشته است. سفر گنشر به همان اندازه که برای غرب براهیت بود، برای جمهوری اسلامی نیز اهمیت داشت. رهبران جمهوری اسلامی خواهان "موفقیت" هر چه بیشتر مذاکراتشان با وزیر امور آلمانی بودند و طبیعتاً پیشاپیش، همه امکانات خود را برای آرایه پاسخ مثبت به درخواستهای سفیر غرب واریسی کردند.

زمینه ساز اصلی سفر گنشر به تهران و امیدهای بی که امیرالیستی به آن بستند همانا شتاب گرفتن بیش از پیش روند دوستی و اتحاد با غرب و در سیاست جمهوری اسلامی است.

برای سرمایه داران و زمینداران بزرگ و درباری همه کلان تاجران که اینگونه بر مفسدات کشور مسلط حاکم شده اند، به طرف کردن هر چه سریعتر "سوفت" تفاهات "حکومت با غرب" سه ساله مرکزی است. "شاهراه" ای که کاروان سودهای بی پایان ایشان از آن می گذرد، همان "شاهراه" چپاول انحصارات امیرالیستی است.

طبیعی است که حکومت آیت الله خمینی قسلاً از هر چیز دیگری منافع خویش است و این منافع هم، تقدیم مفت و مجانی دستاوردهای مبارزات استقلال طلبانه مردم به امیرالیستهارا ایجاد نمی کند، حکومت با هدف تامین منافع و تحکیم پایه های قدرت خود، مطابق معمول با پوششهای اسلامی و شرمی وزیر علم "نه شرقی نه غربی"، بر سر این دستاوردها به معامله می پردازد.

از سوی دیگر رهبران جمهوری اسلامی، در مقابل ملیتی که یکبارچه بیخاست و برای استقلال، خون خویش را نثار کرد، خود را بنیاد زنده نبوغ به پوششها و شیوه های هر چه فریبنده تر می بیند. از جمله شیوه هایی که آنها برای تسهیل روند نزدیک شدن امیرالیستهارا گردیده اند، استفاده از واسطه های اسلامی، چون ترکیه و پاکستان و این واسطه های "بی خطر چون ایتالیا و ژاپن است. این واسطه ها" ضمن تامین منافع خویش، از یک سو دست امیریکا و از سوی دیگر دست جمهوری اسلامی را گرفته اند و قدم به قدم آنان را به سوی سفره عقد همراهی می کنند.

رهبری جمهوری اسلامی دست "ازال" را می فترد، به کمک او از دست در دست گنشر می گذارد و به یاری این دونه سوی شولتزدست دراز می کند. سفیر او از آن نخست وزیر ترکیه، به ایران در اردیبهشت ماه نمونه بارزی در اثبات این واقعیتها است. همان زمان روزنامه "جمهوریت" نوشت: "ترکیه که بعد از انقلاب اسلامی و جنگ خلیج همیشه روایتش با حکومت ایران به گونه چشمگیری گسترش یافته است، از یک نظر کارگزاران تمامی غرب محسوب می شود. یکی دیگر از روزنامه های ترکیه ضمن درج مطلبی در رابطه با سفر او از آن، درک ارتجاع ترکیه از وضعیت جمهوری اسلامی را اینگونه تشریح کرد: "حکومت آیت الله خمینی، با جدیت به تصفیه کمونیستها اقدام کرده و به مسوالات آن روابط تازه ای را با غرب آغاز کرده است. بنا انگلیسی ها و با آلمانی ها وارد مذاکره اقتصادی گشته و خواهان گسترش روابط استراتژیک با غرب است. تلاشها میوزیر ایران در برلین، همکاران اقتصادی منطقه ای، آرسی، دی، میان ترکیه، ایران و پاکستان، باید نخستین گام در توافق استراتژیک محسوب گردد."

گنشر طی سه روز اقامت در تهران، با خامنه ای رئیس جمهور، رفسنجانی، موسوی نخست وزیر و ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به گفتگو نشست. رفسنجانی، سخنگوی رژیم در نماز جمععه تهران پیرامون موضوع مذاکرات گفت: "وقتی ایشان آمدند ملاقات من مطرح کردم مساله چند ساله داریم. سه ساله، یکی جنگ است، یکی حقوق بشر است و یکی روابط خودمان. ما گفتیم اتفاقاً هر سه مساله خوب است که مطرح کردید. پیش از پرداختن به موضوعات کتمان شده مسایلی را که رفسنجانی شمرد، بررسی می کنیم.

توجه زیر نام "حقوق بشر"، از سوی گنشر طرح شد و مورد استقبال سردمداران رژیم اسلامی قسراً گرفت. با آنچه مفهوم واقعی حقوق بشر را تشکیل می دهد، بکلی متغایر است. "حقوق بشر" در اینجا اساساً پوششی برای یک تاکتیک رژیمانه است. شک نیست که افکار عمومی در کشورهای اروپایی به شدت علیه اقدامات تمسک ارانه جمهوری اسلامی در قبایل نیروهای ترقیخواه کشور است. دولتها ی غربی نیز که نمی توانند بکلی نسبت به افکار عمومی بی توجه باشند، می کوشند تا خود را مدافع "حقوق بشر" وانمود سازند.

آقای گنشر قبل از مزیت به ایران، در جریان کنگره سراسری حزب لیبرال آلمان، ملاقات با مهدی ابریشمی نماینده سازمان مجاهدین خلق ایران را پذیرفت و با وی دیدار و گفتگو کرد.

آقای گنشر، با اینگونه اقدامات حساب شده خود، به جمهوری اسلامی تفهیم کرد که چونکه کسی برخورد غرب با یوزیسویون و "حقوق بشر" به چگونگی برخورد جمهوری اسلامی با غرب بستگی دارد. در تهران نیز، وقتی آقای گنشر قسماً مذاکره را تا بدین حد دوستانه دید، سرشته رایه دست رفسنجانی داد تا به جای "حقوق بشر"، "تروریسم" را پیش کشد و به جای اقدامات تروریستی حکومت ایران، سازمانهای انقلابی و مدافعین واقعی حقوق بشر آماج حمله قرار گیرند.

جمهوری اسلامی با درک منظور اصلی گنشر از "حقوق بشر" موافقت کرد یک کنفرانس مشترک از نمایندگان دو طرف تشکیل شود تا به مساله "حقوق بشر" رسیدگی کند. گنشر در بازگشت به آلمان سخنی از نقض حقوق بشر در ایران نگفت، و در عوض با لحنی پر معنی و حاکی از همدردی اظهار داشت که شکایات پذیرفته شده عراق ایرانی خصوصاً متوجه فرانسه بوده است.

در گفتگو پیرامون جنگ ایران و عراق نیز، گنشر کوشید به رهبران جمهوری اسلامی تفهیم کند که اینکارا در دست غرب است. رفسنجانی پس از دیدار با گنشر طی مصاحبه ای با خبرنگاران داخلی و آلمانی گفت: "نقطه مثبت قضیه در این مذاکرات، این بود که برخلاف سایر میهمانان که تا به حال داشتیم آقای گنشر با مراحت مذاکرات پذیرفتند که عراق متجاوز نبوده و جنگ را عراق شروع کرده است.

این سخن گنشر که چنین، در رهبران جمهوری اسلامی رایه و جفا کرد، درست در زمانی مطرح شد که حکومت درین بست جنگ دست و پا می زد و نه توان پیشروی دارد و نه تمایل به صلح. ارتجاع حاکم که پس از ناکامیهای بی پای در جنگ، به جلب حمایت غرب مشغول شد و کلید "پیروزی در جنگ" را "آنجا می جست، و اینک در تلاش جلب حمایت غرب برای نجات خود از این بست است. این وضعیت در عرصه خطرناک سیاسی امیرالیسم درست همان وضعیت است که حریف بیک حرکت باید تسلیم شود.

امیریکا و همسند آن که در آغاز روند نام جنگ نیز سرشته درست داشتند بدون شک نهایت کوشش را خواهند کرد تا در روند قطع جنگ نیز سرشته را درست خود حفظ کنند و با زیر آتمار کمال به سود خویش به انجام رسانند. موضع گیریهای خیرفراسه که پیش از این در کشورهای اروپایی با جمهوری اسلامی رخ داده و تا همین گنشته اصلی تسلیحات عراق است، نمودار همین روند است. میتران اخیر در جریان سفر خود به اردن اعلام کرده که برای میانجیگری بین ایران و عراق آماده است. همزمان با آن نشریه فرانسوی لوموند نوشت: "اوضاع خلیج فارس، برائست در تحولات تدریجی درونی در حکومت ایران، می تواند بهبود یابد... وضع ایده آل آن است که ایران جای خود را در سیستم دفاعی مشترک غرب اشغال کند."

علاوه بر فرانسه، در آستانه سفر گنشر، آلمان فدرال، ترکیه و ممبرین بربرای میانجیگری اسلام تمایل کردند. اینهمه، چنان تنظیم شده که گنشر در مناسب ترین شرایط، مذاکراتش را پیش برد. گفتگوهای گنشر در تهران بر سرگسترش مناسبات اقتصادی جمهوری اسلامی با آلمان فدرال، پیوسته دیگری از زیانهای ترجیحین حاکم رایه نمایش داده گداشته است. ولایتی وزیر امور خارجه رژیم دربار، گستره روابط اقتصادی با آلمان فدرال گفت: "آلمان غربی اولین شریک تجاری ما در دنیا است و در سال گذشته میزان مبادلات تجاری ما و آلمان غربی حدود ۹ میلیارد مارک بوده است. از این رقم که ولایتی فاش ساخت، تنها یک میلیارد و صد میلیون مارک سهم صادرات ایران به آلمان فدرال است، که آنهم عمدتاً شامل بهای فروش نفت است. بقیه یعنی بیش از هفت و نیم میلیارد مارک، سهم صادرات انحصارات امیرالیستی آلمان فدرال به ایران است. چنین عدم توازن استقلال طلبی در روابط اقتصادی ایران و آلمان فدرال، بکلی بی سابقه است.

ولایتی پس از مذاکره با گنشر اظهار داشت: "آلمان فدرال، در بسیاری از صنایع زیربنایی جمهوری اسلامی ایران مشارکت فعال دارد. در صنعت اتمی ما، در صنایع تلفن، برق، ماشین سازی سنگین، صنایع شیمیایی... آلمان فدرال مشارکت فعال دارد." در جریان مذاکرات، برای گسترش فعالیت انحصارات آلمانی در همه این زمینه ها، خصوصاً در صنایع پیرسما به و شند و وابسته اتمی، موافقت حاصل شد. انحصارات آلمان فدرال، گنشر را به مناسبت این ره آوردهای غارتگرانه تهنیت گفت.

رهبران جمهوری اسلامی، به هنگام توضیح پیرامون مذاکرات گنشر در تهران، زندانه کوشیدند گفتگوهای مربوط به روابط جمهوری اسلامی با بلوک غرب و بطور خاص آمریکا را کتمان کنند. اما نتایج مذاکرات و اظهارات مخالف امیرالیستی به اندازه کافی پشت پرده رایه نمایش گذاشت. روزنامه ها و رادیو تلویزیون آلمان فدرال، آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه دار، با اشتیاق تمام فاش ساختند که در جریان گفتگوهای سه روزه گنشر با سردمداران جمهوری اسلامی حتی یکبار هم سیاست آمریکا مورد انتقاد قرار نگرفت و همگی این رویداد را "گام بلند رژیم ایران به سوی غرب" ارزیابی کردند.

بلندگوهای آمریکایی اعلام کردند: "هانس دبتریش کنشروزیبرامورخا ره آلمان با نخستنری می گوید رژیم جمهوری اسلامی خود را ریبهودر و رابط با غرب است." گنشر چندین جا این موضوع را مورد تاکید قرار داد و کوشید توجه آمریکا و کشورهای اروپایی غربی را بیش از پیش به این خواست رژیم ایران جلب کند. روزنامه آمریکا و واشنگتن تایمز، به نقل از نزدیکان گنشر نوشت: "... در سطح رهبری به ویژه هاشمی رفسنجانی ما بلند، ایران را از نوا خارج شده و برای بهبود مناسباتش با غرب اقدام کند.

رهبران جمهوری اسلامی پشت درهای بسته، آرزوه منعکس شده بسیار ریبختر رفتند. همه رویدادها گویا آنند که سران جمهوری اسلامی نهایت سعی را برای جلب اعتماد و حمایت غرب به کار بستند و کوشیدند تا متقابلاً گنشر را به مثابه سفیر "دستی خودبسته سوی غرب" بدرقه کنند و به کمک وی "حسن نیت" خود رایه آمریکا تفهیم نمایند.

خامنه ای رئیس جمهور رژیم، در رابطه با سفر گنشر گفت: "با تاسف باید بگوییم که قدرتهای بزرگ جهان و بیش از همه آمریکا در رابطه با مردم ما دچار اشتباهات تاریخی شده اند. اشتباهاتی که شاید به آسانی قابل جبران نباشد" بسیاری از امیرالیست آمریکا خود بارها مضمون همین گفته های خامنه ای را بیان کرده اند. "تاسف" از "اشتباهات" آمریکا به بیان روشنتر، بمعنی خرسندی از "رفع اشتباهات" آمریکا در قبالی جمهوری اسلامی، و در عمل یعنی خرسندی از توسعه "اشتباهات" جمهوری اسلامی در قبالی آمریکا.

رهبران جمهوری اسلامی که هنوز هم عوام فریبانه می کوشند با طرح شعار "نه شرقی نه غربی" روابط خود را با غرب گسترش دهند، با توجه به سطح آگاهی ورشد انقلابی تسود به مردم کوشش می کنند چرخش آشکارا رو بر پشت به سوی غرب پوشیده بمانند و بدین منظور سعی می شود اینگونه وانمود شود که گویا هیچ چیز در جمهوری اسلامی تغییر نکرده و این غرب و آمریکا است که سیاست خود را نسبت به جمهوری اسلامی تغییر داده و لابد تسلیم شده است ولی امروز مردم ما آگاه و بیدارند و خوب می دانند که آنکه تغییر کرده جمهوری اسلامی است و نه غرب و آمریکا.

د دولت ریگان از دولت کارتر برتر است. دمنش تر و جنگ افروزتر است. آمریکا امروز بشریت را به لبه پرتگاه "جنگ هسته ای" کشانده و در هر گوشه جهان آتش افروخته است. موشکهای اتمی آمریکا روبره صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نشانگیبری کرده اند و دستا هریمین یانکی بر ماشه نهشته است. اگر رهبران جمهوری اسلامی با این غریبت سرشار و دوستی دارند، به دلیل متعطل شدن بیش از پیش روح اهریمنی در کالبد خود آنان است.

"هفته جنگ" را به هفته اعتراض علیه جنگ تبدیل کنیم!

چهار سال جنگ، کشور را ویران کرده است. هزاران جوان برومند را به خاک کشید و هزاران هزار ریندر و ما در شریف رایه مسزای فرزندانشانده است. جنگ به نفع آمریکا است، به سودتاج روفشودا لها است.

در هفته اعتراض علیه جنگ هر چه رسانست رفسنجانی را دکشیم:

ما آتش بس می خواهیم
ما صلح می خواهیم
فدائیان - اکثریت

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

آیت الله منتظری در بیان نظر خود در مورد اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در ایران، در یک سخنرانی که در مشهد ایراد کرد، فرموده است: «در این کشور، ما یک دولت داریم که در واقع یک دولت فاسد است...»

عرضه و تقاضا، قانون الهی کلان تاجران

ضرورت مداخله دولت در امور اقتصادی کشور را به عهده آنها گذاشته اند، به تنهایی اجرای اصل مریح و روشن قانون اساسی مصوب خود آقایان خلاف شرع است، نه تنها... «مبارت مستقیم دولت (حتی) در بخشی از امور بازرگانی را غیر ضروری میدانند، بلکه دولت را هم موظف می کنند که...»

من در این مجلس، با صدای بلند اعلام می کنم که صنف آهن فروش حاضر است، به من پیشنهاد داده که با همین ارزی که فعلا دولت برای آن اختصاص داده است، با حضرات واردات آهن را درست بکند... «توزیع نفتی نهایی اصل دولتی کردن تجارت خارجی...»

مدافعان ثروتمندان «خیرونیکوکار» نمی گویند که دخالت دولت در توزیع، به صلاح چه کسانی نیست، اما انبوه اسناد و مدارک، زردپسهای مثال پورا ستادها را روشن کرده است... «توزیع خود، فقر و تهیدستی زحمتکشان را با ابعاد گسترده ای داده اند...»

«اگر ما به جای تعیین قیمت برای کالاها، غیر ضروری، تزیینی دهیم تا آن کالاها بدون مانع و مسئولیتی در معرض دید و خرید مردم قرار گیرد...» «تعیین قیمت با تعیین می آید، وی گفت عده ای رجوع کردند و گفتند: «چرا این قیمت را تعیین نمی کنید؟»

یکی از خواسته های همیشگی سرمایه داران و زمینداران بزرگ و درلس است، همه تجار بزرگ، در دوران پس از انقلاب، ضعیف کردن نقش بخش دولتی و در نهایت، از میان برداشتن هروع کنترل و نظارت و مسئولیت دولت، بر روندهای اقتصادی کشور بوده است... «توزیع آن توسط آنها خواهد بود...»

بنا بر این لازم آمده که علاوه بر اعمال دیکتاتوری بر عیان سلاح کینه و زنگ، زده تکفیر بیش از گذشته بکار گرفته شود... «تعمیراتی از قبیل ارتقاء نیروی انسانی...»

تجربه نشان داده است که رهبران جمهوری اسلامی که بازار را تکیه گاه اصلی و استوانه انقلاب اعلام کرده اند، امروزه که با پشت کردن به مردم و آرمانهای مقدس آنان هر روز فاصله گرفتن بیشتر کرده مردم از حکومت را می بینند... «توزیع نفتی نهایی اصل دولتی کردن تجارت خارجی...»

مسلمانان مبارز، یعنی همان نیروهای که آیت الله منتظری در سخنان اخیر خود آنها را مورد انتقاد قرار داده و به تفکر غیر اسلامی و «جبرگرایی و کونه نظری» متهم کرده است، قادر نیستند که حفظ هدایتی تریخواهانه و دلبستگی به این رژیم را یک جا گرد آورند... «توزیع نفتی نهایی اصل دولتی کردن تجارت خارجی...»

برای پایان دادن به گرانی و بیکاری، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!

فدائیان - اکثریت

«قانون» دیگری بسود بزرگ مالکی

در روستاها فراهم می شود، ما اعلام داشتیم که با تحقق شعار «زمین از آن کسانیست که روی آن کار می کنند»... «توزیع نفتی نهایی اصل دولتی کردن تجارت خارجی...»

دقنانان مجبورند، روی زمینهای بزرگ مالکان، فراری که توسط شوراها، کشت، سالانه بطور موقت، به آنها واگذار می شود، کشت کنند و اجازه آنرا به حساب مالک فراری... «توزیع نفتی نهایی اصل دولتی کردن تجارت خارجی...»

حکومت، تصمیم گرفت زمینهای زراعی را در ابعاد بزرگ به سرمایه داران و شرکتهای خصوصی واگذار کند... «توزیع نفتی نهایی اصل دولتی کردن تجارت خارجی...»

هیاتهای هفت نفره که از اول برای اجرای قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمینهای بزرگ مالکان، به دقنانان بی زمین و کم زمین بوجد آمدند... «توزیع نفتی نهایی اصل دولتی کردن تجارت خارجی...»

رهبران جمهوری اسلامی، با جلوگیری از تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی، که خل معضلی اساسی دقنانان زحمتکش و کشاورزی کشور به نام کشتی داشت... «توزیع نفتی نهایی اصل دولتی کردن تجارت خارجی...»

اجاره نامه تنظیم شود... «توزیع نفتی نهایی اصل دولتی کردن تجارت خارجی...»

پیشرو انقلابی و وظایف بنیادین کنونی

رهبری جمهوری اسلامی در راستای نزدیکی به غرب، به این می‌اندیشد که با جلب اعتماد و حمایت امپریالیست‌ها برضف و بخران درونی خود غلبه کند، اما آج این راه حل نیز که بیراهه دشمنی با آماج عمده انقلاب بهمن است، جزئیتهای بسیار ریشه رژیم نخواهد بود.

تشدید اعتراض و مبارزه مردم، در نهادهای حکومتی نیز با تازید یافته است. علاوه بر نهادهای شدید درون هیات حاکمه، تشدید تضاد در نهادهای گوناگون حکومتی، از جمله در ارتش و سپاه و دیگر نهادهای مسلح، امری کتمان ناپذیر است. سربازان و پاسداران خود اغلب از همین مردم محرومند. آنها در جریان درگیری با مردم و پاسا سازمانهای انقلابی به تضاد کردار و خواستار خود و آگاه می‌شوند و بسیاری از آنها بی می برند که بنا حق، علیه مردم و علیه منافع خودشان مورد استفاده ارتجاع قرار می‌گیرند. در جریان سرکوب و گشتار انقلابیون و میهن پرستان، در جریان جنگ و آخیرا در جریان انتخابات، مجلس و رویداد افسریه، نمونه های بسیاری از گسترش تردید و بی اعتمادی و اعتراض در میان سپاهیان حکومتی دیده شد. در جریان "افسریه" عده ای از پاسداران آشکارا به انتقاد و اعتراض علیه اقدامات حکومت پرداختند و برخی از آنها تصمیم گرفتند استعفا دهند.

بحران در حکومت و در ارتش و سپاه، رهبری جمهوری اسلامی را "نگران" کرده است. سخنرانی میسوط خمینی در تاریخ هجدهم مرداد مورخه ۱۳۵۷ همین واقعیت است. وی می‌گوید: "با ایداحساس خطر بکنید. برای جمهوری اسلامی همه احساس خطر بکنید. ما بین راه هستیم و نتوانستیم تا حالا آنچه می‌خواهیم متحقق کنیم" "در ادامه همین مطالب می‌آید: "... اینکه یک اختلافی در مجلس پیدا می‌شود منگس می‌شود در همه ملت، و آنکه خیلی خطرناک است آن است که منگس می‌شود در سپاه و ارتش... هه برای سپاهی‌ها جایز نیست که در ارتش به دست بدهند، به شمشیر ربطی در کارگه در مجلس چه می‌گذرد..."

چنین شواهدی البته هیچگاه راه بجایی نبرده‌اند. نبرد طبقاتی در اعماق همه نهادهای حکومتی انعکاس می‌یابد و آنها را جزا در اجزای بحران می‌سازد. سر نیزه حکومت در شرایط گسترش اعتراض و مبارزه توده‌ها رنگ می‌زند و گند در می‌آورد. برای ریند شرایط فوق‌گویای آن است که زمینه گسترش ضرورتاً افزایش تا شرف فعالیت پیشرو انقلابی در کشور فراهم می‌گردد.

فعالین انقلابی در هر گامی که خویشتن سر نیزه "ولایت فقیه" را بر سرینده خویش می‌کنند، اما اعلامیه‌ای که در این شرایط پخش می‌شود و می‌نویسند که با اینهمه دشواری روی دیواری روید و پیوند بس محکمتری میان توده و پیشرو پدید می‌آورد. بر زمین مبارزه توده ها قطره قطره فعالیت پیشرو جذب می‌شود و به نیروی مترک مادی و معنوی بدل می‌گردد.

رشد و گسترش مبارزه توده‌ها موجودیت فعالین سازمانهای انقلابی را نیز در برابر اعتراضات ارتجاع بطور فزاینده محفوظ می‌دارد. یکی دوسال پس از پیروزی انقلاب، زمانی که رهبری جمهوری اسلامی هنوز در برابر امپریالیسم و ارتجاع شاه پرست قرار داشت، بدون نیاز به نهادهای مسلح مخالفین مرتجع خود را به سادگی از رهنه‌نگاری بیسزرون می‌کنید. اما امروز که رژیم جمهوری اسلامی بسه دشمن همه نیروهای انقلابی و میهن پرست و توده‌های میلیونی بدل شده وضع یکلی دگرگون شده است. اکنون حکومت در برابر نیروهای انقلابی تنها به نهادهای سرکوب خود متکی است. در مقابل آغوش توده‌ها به روی نیروهای انقلابی کشوده می‌شود.

پیشرو انقلابی و مبارزه جاری توده‌ها روندشتا بگرا اعتراض و مبارزه توده‌ها مضا میهن شخصی را بر جسته می‌کند و عمده می‌سازد. رفته ای از مسایل بطور طبیعی مبنای مبارزه مشترک اقرار گوناگون است. گزافی، بیگاری، مشکل مسکن، جنگ، تفتیش عقاید، اختناق و سرکوب، نبود امنیت فغلی و اجتماعی و رشوه خواری و فساد در نهادهای حکومتی از این زمره‌اند. همچنین مبارزه طبقه کارگر و توده‌ها بر مطالبات شخصی آنها تا کید دارد. برای کارگران مساله دستمزد ساعت کار، مشکل های کارگری و مقررات استخدام و اخراج، برای کارمندان مساله حقوق و نبود تا مین فغلی و فشارهای ارتجاعی در ادارات، برای دهقانان کماکان مساله زمین و آب و کمکهای یولی و جسی، برای دانشجویان و دانش آموزان محدودیت امکان تحصیل و تبعیض و فشار و تجسس از محیط های

جنبش انقلابی کشور ما امروز، در شرایط بغرنجی ره می‌سپارد که ناشی از ترکیب پیچیده عوامل گوناگون مثبت و منفی است. از یک سو سیاست رهبری جمهوری اسلامی به مردم و چپ‌گرایان شرایط ترور و خفقان انقلابی توده‌ها، فاش شدن سیاسی ارتجاعی رژیم و روندشتا بگرا اعتراض و مبارزه مردم عناصر عمده شرایط کنونی هستند. بر آید این شرایط از نظر ذهنی در امید جنبش انقلابی و تک تک گردانهای آن به شکست ارتجاع و پیشروی درست آماجهای انقلاب بازتاب می‌یابد.

بی‌گمان چنین امید ریشه داری نمی‌تواند بدون محاسبه تهدیدها و توطئه های ارتجاعی و دشواریهای فرار ای بگرا انقلابی، و به صورت یک خوش بینی ساده نگرانه باشد. شالوده آمیز و اطمینان ما به پیروزی جنبش، همانا روند رو به گسترش مبارزه توده‌هاست. در این راستا انجام وظیفه بیکر و درست پیشرو انقلابی، نقش سر نشوشت سازی دارد.

توده‌ها، زیر سهره کشی و ستم و سرکوب ارتجاع، اعتماد خود را به جمهوری اسلامی زدست می‌دهند و به مبارزه در اشکال گوناگون آن روی می‌آورند. در این روند، پیشرو انقلابی باید با حفظ سترگهای مبارزه در کشور، بی‌بند و میهن همه جانبه بسا مبارزات مردم، کوشش برای ارتقا و گسترش این مبارزات، آگاه کردن توده‌های معترض و مبارزه به سمت درست و آماجهای واقعی جنبش، مبارزه برای یکپارچه کردن صفوف نیروهای انقلابی، و سر انجام برافراشتن پرچم انقلاب فراروی توده‌ها، نقشی خویشتن را در تا مین و تضمین پیروزی جنبش ایفا کند. ناتوانی و کوتاهی در انجام این وظایف، فرصتی بسیار خطرناکی در اختیار ارتجاع حاکم و اپوزیسیون ارتجاعی قرار می‌دهد.

حضور موثر و فعال پیشرو انقلابی، در همه عرصه‌های اعتراض و مبارزه توده‌ها در کشور، حلقه اطمینانی بر عمیق کننده در راستای وظایفی است که جنبش بر عهده پیشرو انقلابی می‌گذارد. تشدید شرایط ترور و اختناق در جامعه ضرورت کوشش برای حفظ سترگیات و کادریات آژموده انقلابی در برابر توطئه‌ها و ضربات ارتجاع و لزوم کار بست توده‌های سازمانی مناسب در شرایط دشواری کنونی، هیچگاه نباید در نظر گرفته شود. اهمیت و فوریت انجام وظیفه فوق بگردد. بعکس، در اوضاعی که تداوم مبارزاتی و سیاسی قبل از هر چیز، باید حفظ حضور موثر فعالین انقلابی در محیط های کار روزندگی مردم و در همه عرصه های مبارزه توده‌ها مینماید قرار گیرد. بر سر واقعیت مبارزه مردم و نقشی پیشروان انقلابی، اهمیت بنیادی و سر نشوشت ساز این وظیفه را مسلج می‌سازد.

تشدید بی اعتمادی و گسترش مبارزه توده‌ها بر سر رویدادهای گوناگون در محیط های کار روزندگی مردم، هزاران گزارش و خبر از درون کارخانه ها، ادارات، روستاها، مسسدا و مدارس و دانشگاهها، مکانهای تجمع و تردد مردم و محیط های خانوادگی و خصوصی همه و همه از بی اعتمادی توده‌ها و فزاینده توده‌ها به حاکمیت جمهوری اسلامی و نفرت و خشم شنا بگرا آنان از کارنامه و کسردار حکومت گواهی می‌دهد.

بی اعتمادی مردم نسبت به حکومت از زمانی آغاز شد که تضاد گفتمان روگردان رهبران جمهوری اسلامی به واقعیتی کتمان ناپذیر تبدیل گردید. آن زمان هنوز آیت الله خمینی و عده‌های جمهوری خویش را تکرار می‌کرد می گوشت تا بدین گونه سرمد را در انتظار روا میدنگهدارد. اکنون، مدت ها از آن دوران می‌گذرد و رژیم نه تنها آن وعده‌ها را کارنگذارده، بلکه بی برده، آماجهای خود را برای دفاع از بهره کشان و ستمگران اعلام کرده است. امروز، مردم خود را در برابر فرمانروایانی می‌بینند که همه دستاورد های انقلاب خونین آنها را نابود می‌کنند. کسانی که سفره آنها را تپ، و کیسه سرمایه داران و زمینداران و غارتگران خارجی را بر می‌کنند. این فجایع در اعماق زندگی مردم، شعله‌ها می‌بیداد و بس اعتمادی و اعتراض و مبارزه را می‌فرورزد. حکومت آیت الله خمینی در برابر اعتراض و مبارزه شنا بگرا توده‌ها، بر تشدید قهر منگی است. دوا رتشی، دودستگاه پلیس، دوا کرده ژاندارم، چند سستم پلیس مخفی و دهها "گمت" و صدها زندان و هزاران دادگاه صحرایی زیر نام "دادگاه شرع تکیه گاه" آنرا تشکیل می‌دهد، تکیه حکومت بر این نهادهای گوناگون سرکوب، نشانه ضعف آن است. جمهوری اسلامی هیچگاه به اندازه امروز به نهادهای گوناگون و گسترده سرکوب مجهز و متکی نبوده است، اما هیچگاه هم مردم این گونه به مبارزه علیه آن برخاسته بودند. توان دستگاه های سرکوب رژیم، در برابر ضعف یا بگه آن بس ناچیز است. اکنون

آموزشی، برای میلیون‌ها زن تحمیلات و فشارهای ارتجاعی جهت بیرون راندن آنان از محیط های کار و فعالیت اجتماعی و ملیس کردن آنها به یونس قرون و سلطی ای و تحربه این مسایل اند. سطح آگاهی و توجه مردم زمینه رافراهم می‌سازد تا آنها در رویا رویی با این مسایل به سرعت نتیجه گیری سیاسی کنند. رویدادهای بسیاری گواه آنند که مردم در رابطه با مسایل بسیار فرعی هم به نتیجه گیری سیاسی می‌رسند و ریشه آنها را در سیاستهای جمهوری اسلامی می‌جویند. در این روند هر روز نیاز توده‌ها به پیشاهنگ انقلابی، به آن سازمان سیاسی توانمند که بتواند سترگ و ستم اصلی در برابر آنها نشانی دهد و در فراتر از فرودهای مبارزه با رهنمودهای به موقع و ضروری راه را به آنها به نمایانند بیشتر می‌شود. درست در چنین شرایطی است که فدایان خلق،

برای تا مین رهبری طبقاتی کارگر، برای برافراشتن پرچم کمونیست در این مبارزه توده ای با یس بیشترین کوشش خود را بکنند. سازمان ما امکانات مادی و معنوی لازم را برای پاسخگویی موثر به نیاز توده‌ها در راست، فدایان خلق باید این امکانات را درست و به موقع بکار گیرند.

فعالین انقلابی ما باید بکوشند تا از طریق تبلیغ سیاسی بر نمود در سطح جامعه، از راه بخش شریات، اعلامیه، شناسنامه و تراکت های گوناگونی که آشنو مسایل خاص و عام توده های معترض را منعکس می‌سازند، از طریق نوشتن شعار روی دیوارها، در کارخانه ها و ادارات و روستاها و مدارس، از طریق تبلیغ شفاهی در محیط های کار روزندگی و محیط های خصوصی و خانوادگی، خواستهای مشخص توده‌ها و سرتاه سازمان خود را بطور موثر منعکس سازند و گویا کنند که توده های معترض در هر گام حضور مشخص فدایان خلق و رهنمودهای ملموس و موثر در اردوکنسار و پیشاپیش خود را بیاند. بسیاری از انقلابی طبقه کارگر، سر نیزه های گسترش و ارتقا مبارزه طبقه کارگر و سازماندهی کارگران، وظیفه مقدم است. فدایان خلق، با تمام نیرو و امکان با یسند در محیط کار روزندگی و درون شکل های موجود کارگری، از جمله شکل های فرمائی، به تبلیغ و ترویج بپردازند. بر نامه و سیاست سازمان را توضیح دهند و کارگران را برای ایجاد شکل های صغری و سیاسی خودشان هدا یث کنند. پیشرو انقلابی باید، با تمام توان بکوشد که اعتراض و مبارزه مردم، جنبه هرجه نیرومند تر سیاسی و به خود گردیایان دادن به حکومت ارتجاعی آماج خود قرار دهد. با ید توده‌ها را آگاه ساخت که بدون درهم گسستن ارتجاع حاکم خواستهای آنان تحقق نخواهد یافت. پیشرو انقلابی نباید تبلیغ کلی شعارهای استراتژیک جنبش، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، اکتفا ورزد، باید در هر عرصه شخصی و در هر گام از مبارزه توده‌ها و به کمک خواستها و نیازهای مشخص آنان این شعارها را توضیح داد.

یکی از مسایل بسیار مهم در تبلیغ و ترویج انقلابی لزوم توجه به تاثیر فعالیت اپوزیسیون ارتجاعی است. امروز اگرچه امپریالیسم آمریکا بیشترین امید خود را به تحولات درونی "پرچم مثبت" در جمهوری اسلامی بسته است، اما دارو دسته های شاه پرست بیکار ننشسته اند. مثلث ارتجاع شاه پرست، یعنی رضا، منشی، اختیار، در جای چوب نقشه های آمریکا و برای "لحظه های ضروری" همچنان تقویت می‌شود. این لاشه های متعفن اکنون چندین ایستگاه را دیوسی علاوه بر بوقهای رسمی امپریالیسم در اختیار دارند. آنها استعداد سلطنتی را قیای کهنه "شریطت" می‌پوشانند و می‌کوشند تا با انگشت گذاردن روی تپیکارهای رژیم جمهوری اسلامی خود را "مدافع" و "دلسوز مردم" وانمود سازند.

اپوزیسیون شاه پرست، با هزاران وسیله می‌کوشند مردم و فعالیت زندگی خود در جمهوری اسلامی را، با دوران شاه متفق و مقایسه کنند و بس سودگشته نظر دهند. اپوزیسیون ارتجاعی این روش سیاسی کردن توده‌ها را اساس قرار داده امیدوار است که با این تیرنگ افکار ارتجاعی را میان توده‌ها شایع دهد. بگ نیست که ناآگاهانی ممکن است به این دام گرفتار شوند و بسوز چنانچه پیشرو انقلابی فعالانه پیشاپیش اعتراض و مبارزه مردم قرار نگیرد، این خطا افزایش می‌یابد.

فعالین ما باید در مبارزه علیه این تپیکار از و افشا کردن این افشاکنان بر چمدار باشند. نبردها و مبارزه و بیکرانه علیه اپوزیسیون ارتجاعی، بخش بسیار مهمی از مبارزه در راه آگاه سازی و بسج انقلابی توده‌هاست. نغیه در صفحه

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

سلطنتی خود از عاملین اصلی قاچاق مواد مخدر بود که با واسطه ها و دلالتهای خرید و پای مواد مخدر را برای آرا ساختن افکار عمومی اعدام می کرد.

روزنامه های خارجی طی سال پیش نوشتند که ما در طباطبایی سفیر ویژه آیت الله خمینی روز ۱۸ تیر ۱۹۸۲ با چدانی که در آن یک کیلو هفتصد گرم تریاک جاسازی شده بود، در فرودگاه دوسلدورف آلمان دستگیر شد. این مشت، نمونه خورا را است. امروز جمهوری اسلامی بزرگترین تاجران مواد مخدر را بنام "مجاهد افغانی" مورد حمایت قرار داده و برای فسادکاری آنها، دهها دقت و ادرا را اختصاص داده است. حکومت جمهوری اسلامی که در ارگانهای کوناگون آن، احتکارچیان، رشوه خواران،

قاچاقچیان و ساواکیها لانه کرده اند، قادر به حل انبوه معضلات اجتماعی مردم ما از جمله معضله قاچاق مواد مخدر و اعتیاد نیست. برای ریشه کن کردن فساد اجتماعی باید ریشه ارتجاع برگرفته شود.

برای ریشه کن کردن فساد، باید ریشه های اجتماعی آنرا خشکاند. تنها با از میان برداشتن فقر، ایجاد کار و درآمد کافی برای همه مردم، فراهم ساختن زمینه برای شکوفایی استعداد های جوانان در همه عرصه ها، غنا بخشیدن و ارتقا آگاهی و فرهیختگی و حفظ سلامت معنوی، انضباط جسمی و روانی مردم است که هرزگی، فحشا، اعتیاد و... زمینه را برای رشد نمی یابند.

راه موفقیت های زیادی به دست آورده. سیاستی که اکنون حکام جمهوری اسلامی در پیش گرفته اند، بیش از هر وقت دیگری در طول عمر این جمهوری موجد رضایت میریالیستهاست. امروز تاکتیک عمده آنان تقویت و ترغیب ارتجاع حاکم، برای تسخیر بیرون راه نزدیک، به غریب است. علی رغم این، میریالیستها که همواره امکانات مختلف را علیه مردم بکار می گیرند، سلطنت طلبها را در پناه گرفته و آنها را بعنوان یک "امکان" و یک "برگ" و عامل تضمین کننده منافع خود تقویت می کنند. ملت اجتماعی ما، امینی، بختیار که به دستور آمریکا چماقشان را کناهم گذاشتند و برای کشورناظر و شان می کنند، موید همین امر است.

بدون شک چگونگی حمایت میریالیستها از اوردسته های سلطنت طلب، به برخورد جمهوری اسلامی با میریالیست مشروط می شود. راهی که حکام جمهوری اسلامی در پیش گرفته اند، میریالیستها را امیدوار می کند که این دور در آید به سرسازای ترین مسایل شده اند. کراسان سلطنت طلب تلاش می کند که تبهکارهای حکومت را در خدمت تبلیغات خود در آورند. آنها فکر می کنند که با بدبختی تند بر موج تبهکارهای حکومت سوار شوند و با دیگر رژیم های امپری را به مردم مسا تحمیل کنند. این خیالات بچ و راه بجای نی نخواستن برود. مردم میهن ما جنایات سلطنتی را، با خیالات سلطنت طلبان و جنایات سلطنتی را، با خیالات اینان مقایسه می کنند. میریالیست رژیم سلطنتی، تنها همان نفرت بیکرانی است که قلب مردم را نشانه است. سلطنت طلبان تنها تافته ها می هستند که فقط ردی از بوی گند و فساد دارند. آنرا به جا مانده. مردم ما با انقلاب بهمین به کودتای نشکین ۲۸ مرداد دور رژیم سلطنتی برای همیشه پاسخ دادند.

پیشرو انقلابی و... بقیه از صفحه ۴

به فداییان خلق
رفقا! وظیفه شما بسیار سنگین و خطیر است. آنجایی که توضیح دادیم، جهات عمده و گسترده فعالیت فداییان را در میان طبقه کارگر و روشنفکران می سازد. امروز سنگین ترین فعالیت ما، در کارخانه روستا و ادارات و دیگر محیط های کار روزندگی مردم است. در آستانه هر حرکت توده ای، در جریان و در خاتمه هر حرکت توده ای باید تراکت و شعار و روشنفکران فدایی خلق انتقاد ریاضه، نیروهای حرکت کننده را هدایت کند و سایر نیروها را به سوی حرکت آنان جلب نماید. هر کجا که توده ها اعتراض می کنند و به مبارزه بر می خیزند، باید فداییان را همراه و یاریش خود بیاورند. هر کجا که کارگران کار می مانند، دانشجویان و دانش آموزان، هفتان، زنان، طبقه و هنرمند، دیگری از طبقه کارگر، فداییان خلق باید بتوانند بیدار نگه دارند و حرکت فداییان را سازمان دهند. فداییان خلق باید بتوانند بیدار نگه دارند و حرکت فداییان را سازمان دهند. فداییان خلق باید بتوانند بیدار نگه دارند و حرکت فداییان را سازمان دهند. فداییان خلق باید بتوانند بیدار نگه دارند و حرکت فداییان را سازمان دهند.

کلان تاجران مواد مخدر در پناه رژیم

تریاک و هروئین و مرفین نیز از سیاهای ارتجاعی رژیم و خرچ و مرج کشونی بی نصیب نمانده اند. رئیس شهرهای جمهوری اسلامی در رابطه با توزیع مواد مخدر در این چند ساله، گفته است: "۴۴ هزار نفر دستگیر شده اند که ۳۳ هزار آنها افغانی بوده اند. یعنی حدود ۱۵ هزار نفر از دهها هزار افغانی است که در شبکه های قاچاق مواد مخدر در میهن ما فعالیت می کنند، دستگیر گردیده اند. این شبکه های عظیم قاچاق را، سران دار دسته های سیاه خسته رنگارنگ افغانی که در پناه رژیم جمهوری اسلامی، با مجوز "قانونی" به فعالیت علیه مردم ما و افغانستان انقلابی متغولند، هدایت می کنند. طی پنج سال گذشته، بطور سرسام آوری برای اعتیاد قاچاق مواد مخدر و اعتیاد، جنایت، زدی، فحشا و هرزگی افزوده شده است. حکومت جمهوری اسلامی که سیاستهای تبهکارانه آن، فساد اجتماعی را در همه ابعاد گسترش می دهد و مردم ما با اعتراض مردم مواجه بوده است، جز اقدامات موضعی و تبلیغاتی هیچ نکرده است، در حالیکه ما ملین اصلی قاچاق مواد مخدر که برخی از سرشان آنها در ارگانهای رژیم لانه دارند، در آن هستند، برخی با دواها، مطبوعات، نشانه های و با هیاهو تبلیغاتی اقدام می کنند. این نمایان برای مردم ما تکراری و مشغول کننده است. مردم خوب بیا در آید که رژیم شاه، خاکن نیز، در حالیکه خانواده

درون هیات حاکمه، بر پایه منافع ارتجاعی سیاسی آنهاست، رفتن چند وزیر و تعداد اندکی دیگر، تنها حاصل کلاهکها و توافقی پشت پرده، محافل مختلف هیات حاکمه است. رهبران جمهوری اسلامی که با اعتراضات شما بان توده ها مواجهند، می گویند از تجربه رسوا کننده انتخابات استفاده کنند و از در زدن بحران درون حکومت، کساکش میان دستجات هیات حاکمه و ساخت های خدیده بیرون جلوگیری کنند. خمینی، تنها رهنمود می دهد که: "خودمان متوجه باشیم که کارهایی انجام دهیم و طریق هایی را انتخاب کنیم که بطور سلامت با هم برخورد کنیم. اگر هم اشکال داریم مثل طلبه های مدرسه با هم رفتار کنیم." اما مردم، نتیجه "وحدت کلمه" هیات حاکمه راه خوبی درگ می کنند. در مورد کابینه آقای موسوی نیز، برای عمده شوری نگهبان و مجلس شورا، جزئی اعتباری نیست. نتیجه ای بیا رخنه خواهد آورد.

مردم علیه دولت ارتجاعی بقیه از صفحه اول دست نشاندن پهلوی، در سالهای آخو حیات خود، برای اجرای کامل وظیفه سرپرستی، به بنده و کشور ما بسنده نکرده است. دستورالعمل میریالیستها و با اهدستی دیگر مرتجعین مطبوعه، به جماعت سرکوب جنبشهای راهی بخش ملی و به زاندار امپریالیسم آمریکا در منطقه میدل گردید. در تمام دوران حاکمیت ندگین رژیم سلطنتی پهلوی، مردم میهن ما لحظه ای زمین را زده نداشتند. برده شد و به اشکال مختلف نبرد علیه آن را ادامه دادند. عالیشان ترین و تعیین کننده ترین حرکت مردم ایران علیه رژیم سلطنتی پهلوی، در انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به ثمر رسید.

مردم زخم کشی میهن ما، با قطعیت کم نظیری به رژیم سلطنتی، نه گفتند و برای تحقق شعار استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و جاری کردن اراده خویش به جمهوری رای دادند. از زمان آغاز استقرار جمهوری اسلامی تا کنون که پنج سال و نیم از آن می گذرد، علی رغم همه توطئه ها و تلاشهای ارتجاعی، زحمتکشان میهن ما نه تنها دست از راههای انقلابی خود بر نداشتند، بلکه با تمام وجود و امکانات برای تحقق آنها کوشیدند. مردم با همه توان خود کوشیدند تا همه نظام آریا میریالیست بود و میهن به استقلال سیاسی و اقتصاد کامل دست یابد. آزادیهای دموکراتیک و مردمی برقرار شود و دست غارتگران و چپا و لگران سرمایه دار روز میهن دار و فئودال زالوصفت کوتاه گردد. حکومت جمهوری اسلامی، علی رغم وعده های بی پایه که به مردم داد، در عمل همان نظام منطبق اقتصادی بجا مانده از رژیم شاه را حفظ کرد و دستکشان را تاجران را جهت غارت بی پایان مردم بازمسود. در چنین شرایطی، مردم وضعیت زندگی خود را با آنچه که برای آن انقلاب کرده بودند، بسا خواستهای عمیقاً عدالت یزها نشان مقایسه می کنند و به این نتیجه می رسند که حکومت جمهوری اسلامی جز وعده دروغ چیزی به آنها نداد. مردم با تمام وجود خود را در میهن می کنند که چگونه پیروزیها و دستاوردهای انقلابی شان توسط این حکومت کسند مال شده و همان نظام غارتگران آریا میریالیست نظامی که کودتای ۲۸ مرداد برای برپایی و تحکیم آن انجام شد، حفظ و احیا می گردد. مردم آگاهانه تر و هوشیارانه تر از پیش، برای نجات خود و میهن شان از این وضعیت نکبت باری که سراسر میهن را فرا گرفته است، مبارزه می کنند. امپریالیستها، ضمن اینکه توطئه های گوناگونی را در آستانه دارند، در شرایط کنونی بیشترین امید خود را به حکومت جمهوری اسلامی بسته اند و در بستن

جندی پیش ناطق ثوری، وزیر کشور، اعتراف کرد که: «سالها اعتبار در ایران به یک ساله سیاسی میبند شده است که اساس جمهوری اسلامی را تهدید می کند. این سخن که حاکی از وحشت رژیم ارتجاعی مردم است بیانگر عمق فاجعه ای است که هم میهن ما گرفتار آنند.»

تاکنون، هیچگاه، اعتبار دو قاچاق مواد مخدر در ایران، چنین ابعادی نداشته است. باند هها و شبکه های بین المللی قاچاق، که اوضاع کشور ما را برای سوادگیری مرگ مناسب دیده اند، زیر سایه ارتجاع حاکم و با اهدستی مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی و با شاد درون ارگانهای مختلف، به مکیدن شیر جان جوانان میهن ما مشغولند.

قاچاقچیان بین المللی، عمدتاً از طریق مسیر پاکستان و از کانال باندها، وارد دسته های ضد انقلابی افغانستان به توزیع مواد مخدر در ایران اشتغال دارند. رئیس شهرهای نیمه اخیراً، طی مصاحبه ای گفت: «رقمی که در سال گذشته سیویله معنادارین بابت خرید مواد مخدر به قاچاقچیان پرداخت شده، بالغ بر یک صد تون میلیارد تومان است.» یعنی اینکه قاچاقچیان مواد مخدر در سال گذشته، معادل نصف درآمد نفت کشور، نفروش داشته اند. این اعتراف تکان دهنده، ضمن آنکه گویای توزیع بی حد و حساب مواد مخدر در میهن ما است، حاکی از این نیز هست که علاوه بر تاجران بزرگ ارتجاعی و آهن خوار و شیفته خوار و غریبه، که در پناه ارتجاع حاکم به کشت و کار حلال، مشغولند، تجارین المللی

پاسخ توده ها به... بقیه از صفحه اول
ضد مردمی این کابینه که لانه مدافعین سرکشان کلان تاجران و بزرگ مالکان و سایر غارتگران است، نرای توده های میلیونی مردم شناخته شده است. موسوی، در گزارش خود به مجلس، هنگام بحث پیرامون رای اعتماد به دولتش گفت: «در شرایط حساس اگر بخواهد دولت، قوی با مسایل برخورد کند، گزارش همسوا با گزارش مجلس باید داشته باشد.» تلاشهای موسوی برای انطباق کابینه اش با شرایط ارتجاعی مجلس شورای نگهبان، ارتجاع بسیار عیان است. حرفها و وعده های او به مردم و لفاظی های گاه و بیگاه، روشنفکرانه، وی، در خدمت آرایش سیاست ارتجاعی جمهوری اسلامی و معطله و زد و بند دستجات رقیب درون هیات حاکمه قرار داشته است.

کابینه موسوی، که از گذشته تا امروز، منعکس کننده دسته بندیهای درون هیات حاکمه بوده، میهن سازش این دستجات، در جا رجوب تا مین منافع مشترک ارتجاعی شان بوده است.

به دنبال انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی و روی کار آمدن مجلس موردا اعتماد شوری نگهبان ارتجاع، کابینه موسوی نیز می یابست بار دیگر، انطباق خود را با "گرایش مجلس و همچنین عبودیتش را نسبت به شورای نگهبان به تائید می رساند. جناحهای هیات حاکمه می یابست بار دیگر نظر خود را نسبت به ترکیب، کارنامه و کارایی این کابینه ابراز می کردند و بر سر آن به "وحدت کلمه" می رسیدند. از این روموسوی خود "موبانه" پیشقدم شد. کارنامه سیاه کابینه را نیز بر بفسل گذاشت و راهی مجلس شد. او در جلسه ای با حضور شورای نگهبان ارتجاع، تائست بار دیگر برای اجرای او امر، جلب اعتماد کند. البته

آیت الله خمینی نیز شخصاً سفارش موسوی و کابینه وی را به شورای نگهبان و مجلس کرده و "اهمیت" سازش و "وحدت کلمه" حکام را در شرایطی که جمهوری اسلامی با بحرانهای گوناگون روبروست، متذکر گردید. خمینی جندی پیش از پاداش زمین خوردن دولت، امروز، برای روحانیت هم مضر است، برای مجلس هم مضر است. در جریان رای اعتماد به کابینه موسوی پنج تن از وزرا، پرورش و نیز آموزش و پرورش، سلیمی وزیر دفاع، نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، منافی وزیر بهداشت، یوسفی وزیر صنایع، رای لازم را بیاوردند و از کابینه موسوی کنار گذاشته شدند. در تاریخ بیست و هفتم مرداد، موسوی، دکتر علی رضائردی، مهندس غلامرضا شافعی و دکتر ایرج فاضل را به ترتیب برای تصدی وزارتخانه های بهداشتی، صنایع و فرهنگ و آموزش عالی به مجلس معرفی کرد. همچنین از سوی موسوی، محمد محمدی ری شهری، حسن حبیبی و سراج الدین کارزونی برای اشغال پستهای وزارت اطلاعات دادگستری و مسکن و شهرسازی به مجلس معرفی شدند.

در تاریخ ۲۴ مرداد، مجلس به بررسی "ملاحظت سه وزیران خیر برداشت و به وزیران پیشنهادی موسوی، که تقلب سرسازایی بحثها و توافق های لازم، بیسن دستجات هیات حاکمه صورت گرفته بود، رای اعتماد داد. هاشمی رفسنجانی، سخنگوی حکومت، در جلسه ۲۴ مرداد مجلس، فریادگانه مدعی شد: "ترکیب آرا و تعداد آرای وزیران معذای این است که در مجلس شورای اسلامی آزاد اندیشی غلبه دارد و تعصب گروهی و اینها، از نظر اکثریت مجلس شورای اسلامی چندان مؤثر نیست." بعکس گفته ایشان چند و چون رای اعتماد مجلس به موسوی و وزرای کابینه وی، نشان می دهد که آنچه وجود دارد، همانا کساکش و زد و بند دستجات

از رویدادهای

مرداد

تعرضات ابوشانه علیه زنان

در این ماه نیز، اقدامات سرکوبگرانه وتوهین وتعرضات حکومت، علیه زنان، در سراسر کشور ما فجاج تازه ای آفرید. مقامات طراز اول جمهوری اسلامی که با سخنرانیها ودستورالعملهای خود، دستجات رسمی وغیر رسمی ابوشان با جسم را هدایت می کنند، چندی پیش "سینا رفته حجاب" تشکیل دادند و در طی ماه نیز، تظاهرات سراسری با شعار "حجاب هر مسلمانی سنگرانقلاب است، بی حجاب دشمن انقلاب است"، راه انداختند. در جریان این تحریکات رژیم، دستجات ابوشان به چنان جنایاتی دست زدند که هر انسان با فرهنگ ای از شنیدن آن دچار شرم می شود، در شیراز، در مواردی روسرهای سی که روی آنها شعارهای مستهجن نوشته شده بود، بر سر زنان کزده و در تهران و چندین شهر دیگر با اسید و چاقو تیرنگ و شلاق به جان زنان افتادند. این اقدامات با آنچرا و اعتراض شدید مردم مواجهه شد و زنان در تهران و چند شهر دیگر به اعتراض آشکار و گاه جمعی اقدام کردند.

دستجات ابوشان با به قول آقای خامنه ای رئیس جمهور "برادران و خواهران حزب الله" که از مراکز معین حکومتی از قبیل حزب جمهوری اسلامی، سپاه، کمیته ها وغیره سازماندهی می شوند، اینجا و آنجا به راه افتاده با شعار مرگ بر بی حجاب برای برقرار کردن "فرهنگ اسلامی" و "ارزشهای الهی" سبانه بر سر زنان و دختران می ریزند و چنان ددمنشی و بی فرهنگی به نمایش می گذارند که بربرها از انجام آن شرم داشتند. گشت های مخصوص کمیته انقلاب اسلامی متشکل از "گشت های خواهران" و "گشت برادران" که با سرفه های هنگفت به حساب مردم و بنام اجرای "قوانین اسلامی" تشکیل شده اند، مجهز به تفنگ و مسلسل و بی سی ام، رسماً به جان و ناموس مردم می پوشانند و می برند. به بهانه عدم پوشش اسلامی، هر کس را که لازم بداند دستگیری می کنند تا آن را به کمک شلاق و کتک "ارشاد اسلامی" کنند.

این گفته موسوی بجنوردی عضو شورایی قضایی نیز قابل تأمل است. وی ضمن تشریح وظایف "گشت انقلاب اسلامی" علیه زنان تهدید می کند: "در اسلام مواردی داریم... که اگر مرتبه نسوم این جرم (عدم رعایت حجاب حکومتی) را مرتکب شود، حکم او اعدام است".

مردم با یکتة نفرت فریاد می زنند که این اقدامات و گفته ها و تحریکات مسئولین جمهوری اسلامی می تگرند. مردم این اقدامات را که با هدف بیاده کردن احکام تاریک اندیشه ارتجاع حاکم صورتی گیرد، نه تنها تجاوز و هتک حرمت نسبت به حقوق و شخصیت زنان ایرانی می دانند، بلکه آنرا خالت خشن و وقیحانه در زندگی خصوصی و اجتماعی خود و تحمیل هر چه شدیدتر حکومت زور و ارعاب می نمایند.

مردان این سالها شاهد بودیم که روحانیت حاکم برای حفظ و بقای حاکمیت اسلامی و تا میسر منافع خویش با تمام قوا کوشیده است تا احکام منجمد را از دل تاریخ خاکه قرون وسطی زنده کند و در جامعه ما رواج دهد. مخصوصاً در ضمنی بسا شخصیت و مقام اجتماعی و سیاسی زنان که نقشی سرگشا در انقلاب بنمن و همه جنبش های استقلال طلبانه و آزادی خواهانه مردم ما انکار ناپذیر است. رهبران جمهوری اسلامی با تمام مقدورات خود به ضد انسانی ترین روشها متوسل شده اند. از اجرای حکم سنگارونفی حقوق زنان و انا علیه رسمی فساد، تحت عنوان "صیغه" گرفته تا اخراج از کار، دانشگاه، مدرسه و محیط های ورزشی، بهر اقدامی که توانسته اند، دست زده اند. و در این میان تلاش برای تحمیل یک شکل پوشش قرون وسطایی به همه زنان کشور از شما اقداماتی بود که روحانیت حاکم جهت درهم شکستن نیروی ترقی خواهانه زنان و فرستادن آنها به کج خانه، با لجاجت و کینه نوری دنبال کرده است. اما مقاومت و مبارزه بیگیز زنان میهن مادر قبل اقداماتی که در خدمت با زنان صورت می گیرد، رژیم جمهوری اسلامی را طی شش سال گذشته از تحقق اهداف ارتجاعی اش باز داشته است.

تنها ریه های جمهوری اسلامی علیه زنان میهن ما یکی از سرچشمه های نفرت و کین توده ای نسبت به آن است. مردم بیخاسته و با فرهنگ میهن ما با مشاهده این تبهکاریهای ابوشان بی فرهنگ، دلایل بازم بیشتر برای محکومیت سیاست و کردار رهبری جمهوری اسلامی و تهدید مبارزه علیه آن می یابند.

دعوتی دیگر از غارتگران آریامهری

در ادامه روند تاملین وتضعین منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان در جمهوری اسلامی ایران، روزیازدهم مرداد، مقتدایی سنگسوی شورای عالی قضایی یکی دیگر از سلسله تصمیمات مصوبات ارتجاعی حکومت را اعلام کرد. اوطنی صاحب ای گفت: "آن دسته از صاحبان مستغلات که به از انقلاب به خارج از کشور فرقیافته اند و مستغلات آنان با آن حاکم شرع توقیف گردیده و زیر نظر دادستانی بانرخ عادلانه به افراد ذیل اجاره داده شده است، ومدارکی برای مصادره آنها به دست نیامده، در صورت بازگشت به کشور، مستغلات ومبالغ مال الاجاره این مستغلات که از طرف دادستانی در حساب آمانی نگهداری شده، به آنها مسترد خواهد شد."

قبل از اینکه چنین تصمیمی توسط شورای عالی قضایی اتخاذ شود، از مدت ها قبل اسواول آن دسته از صاحبان مستغلات که پس از انقلاب به خارج از کشور رفته اند، به میزان زیادی به آنان بازگردانده شده بود و بارها توسط مقامات جمهوری اسلامی اعم از رئیس جمهور، رئیس مجلس و رئیس دیوان عالی کشور و دیگران، از جبا و لگرا فراری دعوت بعمل آمده بود که به ایران برگردند و به آنان تضمین وتامین های لازم نیز داده شده بود.

مذتها قبل از اعلام اینگونه تصمیم های ارتجاعی و ضد مردمی توسط شورای عالی قضایی، تعداد زیادی از زحمتکشان بی سرپناه و آواره، که در انقلاب بنمن، با اقدام مستقل خود، تعدادی از خانه ها و آبارتعماضی بهیشار متعلق به صاحبان مستغلات طاغوتی فراری رامصادره کرده بودند و همچنین کثیری از مردم زحمتکش و ولادیده کشور که در نتیجه جنگ، خانه و کاشانه خود را از دست داده اند، توسط برخی از این آبارتعماضی مستقر شده بودند، توسط پاسداران و کمیته جی ها به غیبا با آنها ریخته شده اند. حکومت جمهوری اسلامی، برای اینکه به کلان سرمایه داران و صاحبان مستغلات فراری تضمین های قانونی و محکمی داده باشد و برای اینکه از این پس، با دست بازتری به مقابله با زحمتکشان بی سرپناه برود، تصمیم اخیر را اتخاذ کرده است.

اینکه امروز آقای مقتدایی اعلام می کند: "مبالغ مال الاجاره این مستغلات که از طرف دادستانی در حساب آمانی نگهداری شده، به آنها مسترد خواهد شد"، از این واقعیت بوده برمی دارد که حکومت جمهوری اسلامی در حرف به حمایت از مستضعفان چشمپوش می دادند، در همان حال عملاً "امانت دار" اموال سرمایه داران فراری بودند. حکومت نه تنها از مستغلات سرمایه داران فراری حراست کرد، بلکه بعنوان واسطه و به نیابت از آنان "مستغلات" را اجاره داد و بابت "مال الاجاره" مبالغی را دریافت و در حساب آمانی نگهداشت، تا امسروز به این میهن فروران فراری "مسترد" دارد.

امروز که تجار بزرگ غارتگر بر همه امور کشور جنگ انداخته اند و از طریق قبضه تجارت وتوزیع و هندستی با انحصارات میرالیمتی میلیاردر میلیاردر "سودشعی" به جیب می زنند، بطریق طبیعی، هرگونه تعرضی به مایملک غارتگران آریامهری را تهدیدی مستقیم علیه منافعی خود می دانند. امروز غارتگران آریامهری پس از تجار بزرگ، هم کاسه می شوند. شاهسراه سودهای آنان یکی می شود. حکومت جمهوری اسلامی، صادقانه در خدمت حفظ وتحکیم کلان سرمایه داری وبزرگ مالکی است و می کوشد تا ضرباتی را که به انقلاب مردم بر غارتگران وارد کرده، تمام و کمال و در کوتاهترین مدت جبران سازد.

آرزوی اوهیمنی ریگان

ریگان، رئیس جمهور آمریکا، در آغاز یک سخنرانی انتخاباتی گفت: "همه میهنان من، آمریکاییان، مایه خردی من است که به اطلاعات من برسانم که به تا زگی سند قانونی را امضا کردم که روسیه را برای همیشه غیر قانونی خواهد کرد، بمباران تا ۵ دقیقه دیگر آغاز خواهد شد."

ریگان که مدتی بود به مانورهای تبلیغاتی درباره مساله صلح می پرداخت، بی پرده تر از این نمی توانست تمایلات واقعی را بیان کند. او که در تقشقه های سیاسی و نظامی خود، سلطنته برترری نظامی آمریکا در جهان را هدف قرار داده است، طی ۴ سال گذشته به انواع تبهکاری علیه صلح جهانی متوسل شده است. کار رفتگی و بسبب تعطیل کشاندن مذاکرات شوروی و آمریکا پیرامون محدود کردن سلاحهای هسته ای، استقرار موشکهای میان برد در اروپا، افزاین تولید تسلیحات هسته ای و شیمیایی، اقدام به ایجاد سیستم جدید تبلیغاتی ضربتی کیهانی وموارد دیگر از این قبیل، در خدمت اهداف جنگ طلبانه دارودسته ریگان است.

خبرگزاری ناس اعلام کرد که: "اتحاد شوروی حمله رسمی جمهور آمریکا را که در مقابل اتحاد شوروی بی نهایت ضحانه و برای اطرلع خطرناک است، محکوم می سازد. این رفتار با مسئولیت عالی که سران دول وقبل از همه دول دارای سلاح هسته ای در مقابل ملل خردوسر نداشت بشریت به عهده دارند، وجه مشترکی ندارد... اتحاد شوروی به توجه به این مسئولیت تمام امکانات خود را برای حفظ صلح در جهان بر کار می گرفت و می گیرد.

در اوردسته ریگان در طی دوران حکومتش، به سیاست تشنج فزایی در سطح جهان، شدت بی بقای داده است. تروریسم هر چه آشکارتر به سیاست دولتی تبدیل شده، ومقابله نظامی با کشورهای مستقل که حاضر به تبعیت از آمریکا نیستند، عموماً به یاقته است.

امیر یالیم آمریکا که گسترش جنگ، فروش اسلحه وغارت ثروت های ملی ملت ها "ضامن حیثیت آنست، لاجوانه همه اقدامات و ابتکارات صلح جوانه و بشردوستانه اتحاد جماهیر شوروی را بدون پاسخ اصولی منکوت گذارده و بشریت را به لبه پرتگاه جنگ هسته ای سوق داده است. بی جهت نیست که جامعه کشورهای سوسیالیست و در رأس آن اتحاد شوروی که با مسئولیت وقدرت از امر خطیر صلح جهانی و کاهش تشنج بین المللی پاسخدار می کنند، هدف کین ونفرت جنگ افروزان قرار دارند. اظهارات بی شرمانه اخیر ریگان، به روشنی تقابل امیر یالیم آمریکا را با تحکیم صلح جهانی واجباد امنیت بین المللی مشخص نمود. بی مسئولیتی سران آمریکان نسبت به تمام بشریت، ختم اناسهای صلح دوست ترقیخواه سراسر جهان را برانگیخت. محافل اجتماعی ومطبوعات کوناگون سراسر جهان سخنان جنگ افروزانه ریگان را مورد انتقاد و اعتراض جدی قرار دادند. سخنان تازه ریگان، هتدارجدی ایست به همه نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان تا با صفوف متحدتر علیه جنگ و جنگ افروزان مبارزه کنند.

پیشنهاد اتحاد شوروی برای حل مسایل خاور نزدیک

در ماه گذشته، اتحاد شوروی برای استقرار صلح پایدار و رحل و فصل همه جانبه مشکلات خاور نزدیک پیشنهاد جدیدی را مطرح ساخت. مطابق این پیشنهاد، باید تمام سرزمینهای عربی اشغال شده، در ۱۹۶۷ توسط اسرائیل، به کشورهای عربی بازگردانده شود، حق خلق عرب فلسطین، برای ایجاد یک دولت مستقل در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه، پذیرفته شود، سازمان آزادیبخش فلسطین، بعنوان تنها نماینده قانونی فلسطین به رسمیت شناخته شود، بخش شرقی اورشلیم به کشورهای منطقه ضمیمه گردد و حق همه کشورهای منطقه برای زندگی مستقل ومطمئن تامین وتضمین شود.

اتحاد شوروی پیشنهاد می کند، برای پیاده کردن راه حل بحران خاور نزدیک، کنفرانس بین المللی با شرکت کشورهای سوری، اردن، مصر، لبنان، اسرائیل وسازمان آزادی بخش فلسطین بعنوان یگان نماینده خلق فلسطین، اتحاد شوروی و آمریکا تشکیل گردد. در مراحل بعدی، دیگر کشورهای خاور نزدیک هم می توانند در مذاکرات شرکت جویند.

پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی پیرامون حل همه جانبه وعادلانه مسایل خاور نزدیک، مورد استقبال کشورهای عربی وسازمان آزادی بخش فلسطین قرار گرفت. فاروق قدوسی، عضو شورای اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین، اظهار داشت که تشکیل کنفرانس بین المللی خاور نزدیک پیشنهاد اتحاد شوروی جهت اتخاذ تصمیمات همه جانبه بهترین راه است. یوسف فیهل، فزوهبری جنبه ترقی خواه سوری، اشاره کرد که ملت های عرب ابتکار شوروی را راهی به سوی حل وقصیل عادلانه اختلافات و آراب اسرائیل می دانند. رشید کریمی، حمایت خود را از پیشنهاد اتحاد شوروی اعلام نمود. ولی امیر یالیم آمریکا رژیم صهیونیستی اسرائیل که منتهین بحران خاور نزدیک هستند، این بار نیز، با پیشنهاد اتحاد شوروی به مخالفت برخاستند. آمریکا واسرائیل، تنها بر پیشنهادها و سیاست های اسرائیلی ورنزدیکه تا مین کنندند منافع استعماری آنان در منطقه است. در این میان رژیمهای مرتجع عرب، علیرغم تظاهر به "دفاع از فلسطینیان وحقوق ملل عرب"، قبل از هر چیزی، به حفظ وتحکیم دوستی و به عبارت دیگر سربرداری، خودی آمریکا تا کیداردند و از این طریق، زمینه ساز تقشقه های استعماری ونجاولی کارانه آمریکا واسرائیل در منطقه هستند. بدون شک، منافع طبقه ای عرب منطقه ایجاب می کند که پیشنهاد های اتحاد شوروی قویا از سوی مسئولان عرب و همه نیروهای ترقیخواه مورد حمایت فزاینده قرار گیرد.

از میان گزارشها

اخبار زیر از میان گزارشهای
رفقا انتخاب و تنظیم شده است

سرکوب خونین اعتصاب کارگران کانادا دارای

در میان اعتصابات کاری ماه مرداد، اعتصاب کارگران کانادا دارای جای مهمی دارد. در این اعتصاب و احدتولیدی که متعلق به شرکت سائان است، هزاران کارگر کار می کنند. در روز ۲۸ تیر کارگران در اعتراض به اخلاقیهای مدیریت تیزرکا در جریان طرح طبقه بندی مشاغل و تیزر برای دریافت حقوق بهره وری، دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه اجتماع می کنند. مدیر کارخانه در برابر اعتصاب یکبارچه کارگران موقتاً عقب نشینی کرده و فریبکارانه برای انجام مطالبات آنها تقاضای فرست کرد. کارگران می پذیرند برای چند روز اعتصاب را معلق گذاشته و مبارزه را فقط با کم کاری دنبال کنند.

چند روز بعد در سوم مرداد، وقتی که کارگران مطمئن می شوند، وعده و وعید مسئولین تنها برای اتلاف وقت است، مجدداً اجتماع کرده و علاوه بر مطالبات پیشین، اخراج چند تن از مدیران ضد کارگران کارخانه را نیز خواستار می شوند. در پی تجمع مجدد کارگران، نفقات ارتقا نهای سرکوب تیزرکا پس از دیدگری وارد کارخانه می شوند. افراد کمیته مستقر در اوین (ریاست معاون لاوردی)، نفقات کمیته مستقر در بنیاد مستضعفان و واحدهای شهر با نیسی کارخانه را اشغال و کارگران را محاصره می کنند. معاون لاوردی که رهبری عملیات را بر عهده گرفته بود، ابتدا می گوید با سخنرانی کارگران را مرعوب و متفرق نماید. اما آنها در برابر تهدیدات نماندند. جلاد اوین دلیرانه ایستادگی کرده و حاضر به ترک اعتصاب نمی شوند. سرکوبگران که از همانجا با مقامات بالا در تماس بودند، با پرتاب گاز اشک آور شروع به برانگیزه ساختن کارگران اعتصابی می کنند. با ساداران جنایتکار ارتجاع برای درهم شکستن مقاومت قهرمانان کارگران این کارخانه و پاشاندن تخم هراس در میان دیگر کارگران و زحمتکشان، همراه با پرتاب گاز اشک آور، اعتصاب کنندگان را به درگیری می بندند. در نتیجه ایستادن جنایت دهبان کارگران مجروح شد. با ساداران رژیم برخی از مجروحین را از بیمارستانها بیرون کشیده و همراه با دیگر دستگیر شدگان روانه زندان کردند. تعداد کشته شدگان هنوز نامعلوم است.

این جنایت رژیم در میان دیگر کارگران نفرت عظیمی برانگیخت. کارگران دیگر شعبات شرکت سائان و کارگران کارخانجات هم جو را از قبیل کارخانه شیشه و کاربا کارگران اعتصابی آسزاز همبستگی کرد.

اعتصاب پیروزمندانه کارگران جنرال

در کارخانه جنرال صنعتی تصمیم مدیریت مبنی بر عدم پرداخت حقوق مرخصی سالانه کارگران با اعتراض تند آنها روبرو می شود. کارگران در برابر ادامه لجاج مدیریت، دست به اعتصاب می زنند. اعتصاب از کارگاه شماره ۲ آغاز و به سرعت تمام کارخانه را در بر می گیرد. اعتصاب کنندگان علاوه بر حقوق یک ماه مرخصی، خواستار دریافت حق بهره وری، از مقامات نخست وزیری و مسئول کارخانه کارگزار می گویند با مذاکره، کارگران را از ادامه اعتصاب باز دارند. در پی ادامه اعتصاب، هیاتی از مقامات زندان اوین وارد کارخانه می شوند. سرپرست هیات در جمع کارگران به سخنرانی می پردازد و مطالبات معمول آنها را تهدید می کند. او موافقت با خواسته های اعتصاب کنندگان را مشروط به سازمانهای شناسایی و معرفی کارگران وابسته به سازمانهای سیاسی مترقی توسط دیگر کارگران می کند. این پیشنهاد در ذیل به با نزار هم کارگران روبرو می شود. مقاومت و اعتصاب ادامه می یابد تا بالاخره پس از چند روز با پیروزی کارگران به پایان می رسد. قطعنامه پایانی اعتصاب پرهمبستگی و رزمجویی کارگران مجدداً تاکید می کند.

مبارزه مشترک کارگران قزوین

اخیراً اتحادیه تعاونی های ممکن کارگری قزوین با فشار سازمانهای دولتی متحمل گردیدند. این اتحادیه که بیش از ۷۰ تعاونی مسکن را تحت پوشش دارد، مبارزه مداومی را برای گرفتن زمین و تهیه مسکن کارگران در پیش برده بود. انضام خودسرانه این اتحادیه با مخالفت جدی کارگران عمورو روبرو گردید. نمایندگان کارگران در تاریخ ۵ تیر در محل اداره کار قزوین اجتماع کرده و خواستار قانونی شناخته شدن اتحادیه شدند. در این اجتماع تصمیم گرفته شده که اتحادیه همچنان به کار خود

ادامه دهد. به این خاطر برای پیشبرد آشور و کمیسیون از نمایندگان منتخب کارگران تشکیل شد. یک کمیسیون پیگیری امراتین مسکن و کمیسیون دوم، حل و فصل مشکلات حقوقی ناشی از انحلال و رسمیت بخشیدن اتحادیه را بر عهده دارند.

موفقیت کارگران ایران دوچرخ

کارگران کارخانه ایران دوچرخ برای دستیابی به برخی از مطالبات خود از جمله افزایش دستمزد و تعطیل شدن روزهای پنج شنبه، در روز ۲۳ خرداد دست از کار کشیده و اعتصاب می کنند. کوشش مقامات برای درهم شکستن اعتصاب کارگران به نتیجه نمی رسد. به دنبال آن واحدهای با ساداران منسلح پیوسته آورده، کارخانه را اشغال کردند. کارگران نه تنها مرعوب شده و دست از اعتصاب نکشیدند بلکه شروع به راهپیمایی کردند. با ساداران سیاه که نگران گسترش حرکت اعتصابی به دیگر کارخانجات منطقه بودند، کارخانه را محاصره و از خروج آنها جلوگیری کردند. در برابر یکبارچگی و استواری کارگران، مسئولین مجبور شدند به مذاکره تن دهند. در پایان کارگران با دست یابی به برخی از مطالبات به اعتصاب خاتمه می دهند. مبارزه برای دستیابی به دیگر مطالبات ادامه دارد.

در همین کارخانه در اوایل تیر با دیدگی از مقامات روحانی منطقه فرستی شد تا کارگران بار دیگر مشکلات و مطالبات خود را طرح نمایند. کارگران در حین سخنرانی این مقام، بی توجه به تهدیدات، یکی پس از دیگری برخاسته و خواسته های شان را بازگو کردند. روحانی مذبذب این خواسته ها را غیر شرعی نامید و سخنرانان را بی لایق و بی عرضه شلاق محکوم می کند. واکنش یکبارچه کارگران نه فقط اجرای این کمزورانه می گذارد بلکه مقام مزبور را به فرار از کارخانه وادار می نماید.

کارگران به جنبه ها کمک نمی کنند

باینکه برای جمع آوری کمک مالی از کارگران برای جبهه های جنگ، فشارهای گوناگونی اعمال می شود، امتناع کارگران هر روز گسترده تر می شود. آنها حاضر نیستند برای جنگی کمک کنند که به

زیانشان و به زیان همه مردم جریان دارد. در کارخانه تولید و تمهید روغن تهران (اسو) مدت است که کمک داوطلبانه قطع شده است.

علیرغم فشارهای موجود اخیراً کارگران یکبارگی از کمک به جبهه دست کشیدند. به دنبال آن مدیر و سرپرستان کارخانه در حالیکه لیست نامی کارگران را در دست داشتند به تک آنها مزاجه کرده تا تهدید وحشی با خواهش و تمنا از آنها خواستند برای

جبهه جنگ کمک مالی بدهند. آنها حتی به دریافت مبلغ ناچیزی هم راضی بودند. با وجود این با زهم کارگران از دادن کمک خودداری کرده و سرپرست و مدیران را دست خالی با زگرانداند.

در کارخانه شماره ۱ روغن ورامین از مدتها قبل معادل یک روز حقوق کارگران را از حقوق ماهانه آنها کاسته و به جبهه ها اختصاص می دادند. کارگران که دیگر به این کار راضی نیستند به مسئولین کارخانه اعتراض کردند. آنها بدین خواسته کارگران را مشروط به تقاضای دیگری نمودند.

مسئولین کارخانه حساب می کردند کارگران با توجه به خطرات و عواقب تقاضای کتبی قطع کمک به جبهه، از آن صرف نظر می کنند. اما برخلاف تصور آنها تعداد زیادی از کارگران خواسته خود را کتباً بر نمودند.

در کارخانه جیت ممتاز تقاضای انجمن اسلامی برای جمع آوری کمک مالی برای جنگ از سوی کارگران رد شد. امضا آنها به نتیجه نرسید و تنها مسعودی از کارگران داروهای مانده و بلا مصرف را به عنوان کمک به آنها می دهند.

تخریب سرپناه زحمتکشان و واکنش مردم

اقدامات واحدهای تخریب شهرداری در حاشیه تهران بطور افزاینده با مقاومت مردم روبرو می شود. زحمتکشان خارج از محدوده " که مبارزاتشان طبعیه انقلابی بود که رژیم شاه را به گور سپرد، اینک نیز در برابر تعدیات ما مورین رژیم جنوری اسلامی از پانمی نشینند. در شاد شهر، قلعه حسن خان، چیت گر، خانی بادنوو... صحنه های دلیرانه ای از مقاومت مردم در برابر ما مورین دولتی و نیروهای انتظامی به نمایش گذاشته شد. در این میان، مقاومت زحمتکشان در شاد شهر جلب نظر می کند؛ در اردیبهشت ماه واحدهای تخریب به این شهر حمله می کنند. شهردار، قائم مقام فرماندار، بخشدار منطقه و نفقات کمیته با آنها همراهی می کردند. در جریان اولین روز حمله که هنوز مردم محل آمادگی کافی نداشتند، ما مورین واحد های تخریب موفق شدند ۲۵ خانه را ویران کنند.

به دنبال این حادثه، مردم که اطمینان داشتند از مراجعه به مسئولین نتیجه نخواهند گرفت و یقین داشتند که حمله ادامه خواهد یافت، آماده مقابله شدند.

به دفاع برخاسته، ماشین های شهرداری را از کون و بایا ساداران کمیته درگیری شوند. مهاجمین دریناه تیراندازی با ساداران عقب نشینی می کنند. به دنبال این درگیری ۱۶ تن از اهالی محصل دستگیر و روانه زندان قصر می شوند. تهاجمات سعدی ما مورین به این منطقه نیز با مقاومت مردم روبرو گردیدند.

بلسوای حجاب

همزمان با تهران، در شهرستانها نیز جماعتی از رژیم به پهنه مبارزه با بی حجابی به خیابانها ریخته و در همه جا با ضرب و شتم زنان و مردان، به ایجاد رعب و وحشت پرداختند. همانگونه که در تهران در هفت حوش نارمک، تهران پارس، خیابان مصطفی پارک شهرو... مردم در موارد بسیاری در برابر آویسان و خشکیهای بیستادگی کردند. در شهرستانها نیز تهاک ربهای جماعتی بی پاسخ نماند. بعنوان نمونه فشمرد ای از گزارش این واقعه را در شیراز درج می کنند:

در این شهر سازمانگرایان بلسوا، امام جمعه حاشی شیراز می بود، از ضمن انجام تدارک آن، در نماز جمعه رسماً و علناً از آویسان می خواهد به خیابانها بریزند. چند روز بعد طبق برتا همه آویسان جماعتی به خیابان گسیل می شوند. آنها که توسط نفقات منسلح گشت بقیه الله اسکول می شدند، زنانی را که بر عهده حجاب کامل نداشتند و فرزندان و همراهم آنها و همچنین مردان با پیراهن آستین کوتاه و ریش تراشیده را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار دادند. وحشیگریهای ما همین در بسیاری از نقاط مقاومت دلیرانه ای برانگیخت. مردم به حمایت از قربانیان این بلسوا برخاستند که با مسدود زود خورد سنگینی بود که به دفعات رخ داد. خیابانهای زند، داریوش، مشیر قاسمی و چهار راه سینما سعدی توسط آویسان قرق شده بود. تعداد مجروحین این ماجرا هنوز مشخص نشده است. مقاومت و حزم عمیق مردم، مقامات شهرداری به عقب نشینی واداشت و به دنبال آن حاشی شیرازی و دیگر مسئولین، دستجات آویسان را از خیابانها بیرون کشیدند.

مردم شیراز معتقدند که حکومت با این عملیات می خواست انتقام عمل شرکت آنها را در انتخابات بگیرد.

مبارزه روستاییان اقلید و نورآباد

بر همه مشکلات روستاییان منطقه اقلید و نورآباد فارس، عوارض خشکالی نیز افزوده شده است. بی توجهی مقامات دولتی به وضعیت فلاکت کشا و کثرت و زحمت کارگران فقیر، خشم آنان را برانگیخت و به درگیری زحمتکشان منطقه با ما مورین رژیم انجامید. دولت نه فقط از تامین علوفه مورد نیاز زاده مداران فقیر خودداری می کند، بلکه بخش قابل توجه علوفه موجود را به دامداران بزرگ اختصاص داده است. اعتراض افراد زحمتکشان عشاری منطقه نورآباد به این وضعیت، باعث درگیری شدیدی میان آنان و ما مورین دولتی گردید. نیروهای انتظامی رژیم گروهی از دامداران فقیر را دستگیر و زندانی کرده اند. به دنبال این واقعه، امام جمعه در یک مراسم دولتی به مردم مقاوم عشار حمله کرده و آنان را تهدید کرد که مقاومت عشاری به این سخنان، زحمتکشان عشاری در سطح شهر نورآباد دست به راهپیمایی زدند. این راهپیمایی با ردیگره زود خورد و نیروهای نظامی منجر شد.

گروهی از کشاورزان این منطقه نیز که کشتزارهایشان در حال نابودی است در اعتراض به بی تفاوتی مقامات دولتی در اطراف سداریوش اجتماع می کنند (آب مزاح توسط این سد ایجاد تامین می شد) ما مورین انتظامی به اجتماع دهقانان حمله کرده و درگیری ایجاد کردند.

دولت به جای پاسخ دهی به مطالبات سرحق روستاییان علاوه بر سرکوب مستقیم، بی کوشش تفرقه افکنی دهقانان را از مبارزه مشترک بازدارد. از جمله ما مورین حکومتی کوشش بسیار می کنند که بر تفرقه اندازی میان دهقانان روستاهای پشت بندوبیزه روستاییان دوان و اسباس برای بی اثر کردن مبارزات روستاییان تکیه کنند.

**با جمع آوری
کمک های مالی
فدائیان خلق را در انجام وظایف
انقلابی خود یاری دهید**

اعدام مخفیانه انقلابیون

مطابق گزارشهای رسیده از زندان، دهها تن دیگر از زندانیان سیاسی، مخفیانه در زندان اوین به جوخه اعدام سپرده شدند. این شهدا از اعضا و هواداران سازمانهای انقلابی بودند و در زندانها و بازداشتگاهها، مبارزه خود را علیه ارتجاع تا به آخر ادامه دادند. نشریه مجاهد گزارش داد: «مجاهد خلق حبیب خیبری، کاپیتان تیم ملی فوتبال نیزه در میان اعدام شدگان نبوده است. هجوم فاشیستی علیه سازمانهای انقلابی و اعدام جمعی بدون محاکمه و مخفیانه اعضای آنها در نژاد سرکشور، همچنان ادامه دارد. انقلابیون و مبین پرستان به جرم دفاع از منافع توده های مردم، به میدانهای اعدام روانه می شوند و به زندانهای سنگین محکوم می گردند. تعداد بی شماری از زندانیان سیاسی زیر شکنجه های درخیمان رژیم جان می سپارند. ارتجاع حاکم برای تحکیم رژیم استبدادی خود، سرکوب و حشایش فداییان، توده ایها، مجاهدین و سایر نیروهای انقلابی را همچنان شدت و گسترش می دهد. درخیمان رژیم و خودفریبان و مزدوران در زندانها، انقلابیون را تحت فشار شدید جسمی و روحی قرار می دهند و تلاش برای خرید کردن روحیه زندانیان و سرهم کردن شوهای تلویزیونی کار هرروزه آنهاست.

اعدام مخفیانه دهها تن از زندانیان سیاسی، در شیراز (۳۵ نفر) و کازرون (۸ نفر) به اعدام و سندان نمونه های دیگری از جنایات بی شمار حاکم خائن جمهوری اسلامی است که می کوشد با ترور همگانه مبین پرستان و مخالفان فکری و عقیدتی خود، توده های مردم را خاموش سازد. در مقابل این موج سرکوب و خفقان فقط یک راه باقی است: «باید برای پیکار با ارتجاع فکری و عقیدتی خود، بی سابقه و برای دفاع از زندانیان سیاسی و آزادی آنها، متحد و یکپارچه عمل کرد».

با اطمینان باید گفت که هیات حاکمه هرگز قادر نیست و نخواهد بود در برابر مبارزه توده های میلیونی خلق بایستد. هم اکنون اعتراض خلق و بحران درون حکومت پایه های حاکمیت ارتجاع را به لرزه آورده است. اتحاد مبارزه ما علیه ارتجاع حاکم بی گمان با ردیگر آزادی و شکوفایی ربه مبین ستم زده ما باز خواهد گردانید.

"مجاهدین افغان"

با سلاح شیمیایی آمریکایی علیه انقلاب

اخیرا نیروهای امنیتی افغانستان، در جریان سرکوب پیروز مندانه ضد انقلابیون به استاد تاهه از کار برید سلاحهای شیمیایی توسط به اصطلاح "مجاهدین افغان" دست یافته اند. یکی از این اسلحه ها نامی است به معنی "کلیدین حکمت یار" رسیده است. با تدبیر اطلاع حزب اسلامی و سند دیگران است که این اسلحه از طرف "باند" حرکت انقلاب اسلامی "خطاب" سرکرده باند در ولایت فراه، برای گسترش کشتار روویرانسی در افغانستان انقلابی و برای ارسال سلاحهای مرگبار شیمیایی و سلاحهای مدرن، درآمده گذشته، مبلغ ۵ میلیون دلار در اختیار سازمان "سیا" قرار داده است. با ندهای جنایتکار افغانی کمبک نماید. با این مبلغ، کمک آمریکا در سال جاری به نیروهای ضد انقلاب در افغانستان به ۸۵ میلیون دلار می رسد.

کشورهای و نیروهای انقلابی، همواره استفاده از سلاح شیمیایی را که یکی از فزاینده ترین وسایل کشتار است، در هر شرایطی و هر کجا محکوم و توجیه کرده اند.

آمریکا تولید کننده، ذخیره کننده، توزیع کننده، مصرف کننده اصلی سلاح شیمیایی در سراسر جهان است. آمریکا تاکنون با کار برید سلاح شیمیایی علیه خلقها، جنایات هولناکی آفریده، کار برید گسترده سلاح شیمیایی در ویتنام، خشم انزجار همه بشریت و تمام مردم آمریکا را نسبت به این جنایت ستمانه دولت آمریکا به شدت برانگیخت. امروز هم دولت آمریکا، "مجاهدین راهزن افغانی" را به این سلاح مذشری مجهز می کند تا شاید بدین وسیله مردم افغانستان را متروک سازد. اما این قبیل اقدامات افغانی، اگر چه موجب خونریزی و جنایت و خشتاک است، اما سرنوشته ضد انقلابی افغانی را تغییر نخواهد داد و راه برای سلطه مجدد آمریکا باز نخواهد کرد.

در زیر نمونه هایی از اسلحه منتشر شده از سوی جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان را می بینید که کار برید سلاح شیمیایی، "زوی" مجاهدین "افغانی" را افشا می سازد.

بیاد صمد

"مرگ خیلی آسان می تواند به سراغ من بیاید. اما من تا می توانم زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم. البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبرو شدم - که می شوم - مهم نیست، مهم اینست که زندگی با مرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد."

"ماهی سیاه کوچولو"

دهم شهریور، ۱۶ سال از مرگ رفیق صمد بهرنگی می گذرد. صمد آموزگار روتویسندۀ انقلابی، مبارزی پرشور و بیگانه از فرهنگشان و پیشگامان جنبش فداییان خلق ایران بود. زندگی پر بار و پربار او عشق عظیم به مردم، پیوند نزدیک با آنان و آگاهی عمیق از درد ورنج زحمتکشان بود. فعالیت انقلابی رفیق صمد بهرنگی با پایه گذاران جنبش فداییان خلق رقیب بود. رفیق صمد، علیرضا تابدیل و امیر پرویز بویان در آثار ادبی و سیاسی او تعلق یافته است. کتابها و قاصدهای صمد، مشخون از عزمی انقلابی برای آگاه کردن و بسیج توده های سادۀ نابودی نظام ظلم و ستم و استثمار و برابری جامعه ای فارغ از رنجهاست. روشنگری گویای او از علل زندگی محنت بار مردم و رنجهای کودکان محروم، چهره حقیقی و منشا واقعیهای تلخ و دردناک جامعه فاسد و فاسد کننده و می شناساند. محلهای ساده مبارزه در قاصدهای صمد بهرنگی، کودکان، مقامین مبارزه ای انقلابی را بر سر محور نابودی نظام فاسد و مردمی حاکم آرایه می دهد. نقش و موقعیتی که صمد در رویارویی با فرهنگ فاسد و مردمی رژیم منگشا داشته است و تاثیر گسترده اندیشه های راهگشای او بر توده و وسیع جوانان، آنچنان بود که رژیم خیانکار شاه آزار بهرنگی را "منوعه" و "ضاله" اعلام کرد و سواک سفاکانه توجوه آن ربه جرم خواندن قاصه های صمد به شکنجه و زندان کشید. اما اندای بیداری آزاد اندیشی، آگاهی و مبارزه جویی صمد، چنان شور انقلابی جوانان را شعله ور ساخت که در مبارزات قهرمانانه و خروشان پرشکوه آنان در انقلاب، صف و سنگری نبود که از صدمه عزم و الهام نگرفته باشد. اما رهبران جمهوری اسلامی با مواضع بیغایت ارتجاعی و علیه علم و اندیشه و فرهنگ انقلابی و در هر اساز شیروان فزون چنان بیینی علمی، ارجمند و انقلابی انقلاب به تلاش برای خاموش کردن شعله حقیقت جویی و ترقی خواهی جوانان برخاستند. حکومت خائن به انقلاب، امروز هم راه با سرکوب و حشایش احزاب سازمانها و نیروهای انقلابی و مترقی از هیچ تلاش جنایتکارانه ای جهت خفه کردن هرگونه اندیشه جویی با فرونگداری نمی کند. در این هنگام، ارتجاع که حتی از نام انقلابیون چون بهرنگی، در وحشت است، با ردیگر به سوزاندن آنها رصدمتوسل شده است. اما راه صمد آموز شوهای او نابود شدنی نیست. این با رصدمتبا تجربه و آگاهی میقل یافته و بیدیده قهرمانان بهیضاً رقصه های حقیقی روزهای انقلاب، از درون آثارش با نوجوانان و جوانان سخن می گوید. صمد همچنان عشق به خلق و کینه به دشمنان مردم را در دل آنان می پرورد و گویا تر از همیشه می آموزد که چرا رگزان و زحمتکشان برحق تلخ و پراپاید علیه ارتجاع، زور، ستم و استثمار سرمایه داران و غارتگران مبارزه کرد. صمدی آموز که چگونه با آگاهی و کیمیایی و فداکاری می توان و با بیداره مبارزه را جستجو کرد و در راه پیروزی، دشواریهای جانفرسا ربه جان خرید.

صمد بهرنگی بعنوان یکی از زرمندان و پیشگامان برجسته جنبش انقلابی ایران، یکی از رهگشایان جنبش فداییان خلق، و یکی از سیماهای پرفسور و ادبیات انقلابی و مردمی کشور ما در قلب مردم و در تاریخ مبین ما جاودانه است.

آدمی با سرافراشته باید بزیاد

و سرافراشته باید میرد

و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش

و انهد در ره آزادی خلق

هندهستی خویش

گرامی باد یاد شهدای مردادماه، فدائیان خلق؛ طمبورت اکبری، هاشم با باعلی غلامحسین بیگی، یعقوب تقدیری (امیر)، حسن جان لنگوری، علیبا زجبا نیازی، ابوبکر حمیدی، پرویز داری، اعظم السادات روحی آهنگران، ایرج سیبری، حسن سعادت، علیرضا شکر افشار، حسن صالحی، پروین فاطمی، عباس کابلی، علی میرشکاری، احسن ناهید، شهریار ناهید، جمیل یخچالی، پرهرو باد را هشان، جاودان پادشان

توطئه های زبانه علیه فدائیان

بقیه از صفحه ۱

رژیم به موازات تهاجم سراسری علیه سازمان، در زندانها و شکنجه گاهها، خصوصاً در زندان اوین رفقای زندانی مارا که طی به سال اخیر، بازداشت شده اند، تهدید شکنجه می دهد. هدف رژیم ارتشده شد شکنجه مسئولین و اعضای سازمان از سوی بدستبانی سبوی دیگر تلافی است برای ضربه زدن به سازمان از طریق سرهم کردن نمایشهای تلویزیونی. ارتجاع که می بیند فداییان خلق به اشکال مختلف تیرد سازمان یافته خود را زیر سنگین ترین حملات ارتجاع بش می برند و به زحمتکشان نوپد آزادی می دهند، از خشم به خود می پیچد. حضور سازمان یافته و فعال فداییان خلق در محیط های کار زندگی مردم، ضرتی سخت به رجز خوانیها و خود ستایی های حکومت از درمی سازد و ناتوانی آن را در برابر انقلابیون برملا می کند. از اینرو ارتجاع همه قوای خود را گرد آورده تا سازمان ما را درهم شکند و توده محروم و زحمتکشان ایران را از این سنگر استوارش محروم سازد.

ناتوانی رژیم در دستبانی به این مقاصد بلند، وی را وامی دارد تا رفقای اسیر ما را هر چه بیشتر زجر دهد و تلاش کند با نیرنگهای رسوا شده ای مثل نمایشهای تلویزیونی به سازمان ضربه بزند و برای شکستهای خود، بیوشی فراهم کند. اما چنین بیوشی، مدتهاست که دریده شده و دیگر نفرت انگیز و نفرت عفریت ارتجاع ازورای آن نمایان است. شکنجه جسمی و روانی رفقای ما، که در مواردی بیش از دو سال است بطور متداوم ما دارد، خشم و نفرت مردم را بیش از پیش علیه ارتجاع برمی انگیزد.

اخیرا که از شکنجه و مقاومت اسیران انقلابی به بیرون در می کند ندراندک مدتی در سراسر جامعه و درجهان بخشی می شود و شعله های تیرد علیه حکومت جمهوری اسلامی را سوزانده ترمی سازد. توطئه های رژیم برای کوبیدن سازمانهای انقلابی، اگر چه بسیار خونین، اما بی حقیقت است. سازمانهای انقلابی که در بین خلق نطفه بسته اند، در آغوش عزم و رزم خلق رشد می کنند و ربه خورشید آرمهای خلق پیش می روند. سازمانهای انقلابی ریشه در اعماق زندگی مردم دارند و هر چه ارتجاع، با اساس مرگ از صوف آنها درو کند، ساز تا باد و توفان ستمی رویید و بر ما رشان آفرود می شود. تاریخ چهل ساله حزب توده ایران، و آزمونهای سترگ فداییان گواه بار زمین حقیقت است.

فداییان خلق، همه نیروهای انقلابی و مبین پرست را فرامی خوانند تا برای تسریع شکست توطئه های خونین ارتجاع علیه اسیران انقلابی برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، با اسیران دادن به شکنجه و کشتار انقلابیون و آزادی اسیران از بند ارتجاع، ببرد خود را هماهنگ و متحد سازند. ما از همه سازمانهای انقلابی و مبین پرست ایران و از همه احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه جهان، دعوت می کنیم، علیه شکنجه رفقای اسیر ما و توطئه های حکومت اوین برفد فداییان، اعتراض خود را رسا تر سازند.

با کلام مکتبه کنید!

رفقا و دوستان عزیز!

تشریه کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امکان ارتباط همه خوانندگان خود را با تشریه فراهم کرده است. همه مبارزین انقلابی می توانند اخبار و اطلاعات و همچنین پیشنهادهای و نظرات خود را به آدرس زیر برای تشریه کار ارسال کنند.

اطریش:

Pf. 10
1091 WIEN
AUSTRIA

درباره ما

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

تشریه کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اطریش

پ. ک. ۱۰
۱۰۹۱ ویین
اوستریا